

ارزش گذاری بر پول ملی: نگاهی به سیاست ارزش گذاری بر ریال ایران

دکتر فیروزه خلعت بری*

مقدمه

ابعاد گسترده اثر ارزش پول ملی در تمام کشورهای جهان به قدری است که امروز حتی در بین کشورهای بزرگ جهان مبحث ارزش برابری پول آنها در برابر یکدیگر به یک معضل اصلی مورد بحث آنها مبدل شده است.

تغییر در ارزش برابری پول ملی به پولهای خارجی سیاستی یک شبه نیست که اثری کوتاهمدت و رفع‌شدنی بر اقتصاد کشور بگذارد. حتی سایر مؤلفه‌های سیاست ارزش‌گذاری بر پول ملی، یعنی سیاست تعیین ارزش برابری و روش مدیریت بر نرخ برابری در طول زمان، هیچ تغییری نداشته باشد، صرف تغییر در نرخ برابری در یک لحظه از زمان می‌تواند تراز متغیرهای اصلی کلان و حتی خرد اقتصاد کشورها را تغییر دهد. به همین دلیل

بحث در مورد سیاست ارزش‌گذاری بر پول ملی بحثی راهبردی در اقتصاد کشورها است. سیاست ارزش‌گذاری بر پول ملی مجموعه‌ای گسترده است که از سیاست تعیین ارزش برابری تا گزینش نرخ برابری پول ملی به پولهای خارجی و مدیریت این نرخ در طول زمان تداوم می‌یابد. این سیاست از یک سو بر مسیر رشد اقتصادی درازمدت کشور اثر می‌گذارد و از سوی دیگر الزامی برای حکومت است که بر پایه‌ی نظریه‌ی عدالت تمام تلاش خود را در راه حفظ ارزش پول ملی برای حفظ ارزش دستاوردهای مردم کشور و تداوم بخشیدن به رغبت مردم برای کار و انباشت ثروت به کار گیرد.

* دکترای اقتصاد از LES

است که حتی در آزادترین اقتصادهای جهان مقامهای پولی وظیفه دارند که در بازار پول حضور داشته باشند و نوسانهای نرخ ارز را در محدوده‌ی مطلوب اقتصاد خود مدیریت کنند.

مقاله‌ی حاضر با نگرش بر منطق استفاده از پول در کشور و ارزش‌گذاری بر پول ملی، به سیاست ارزش‌گذاری بر ریال ایران در طول سه دهه‌ی اخیر می‌نگرد و با ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها الزامات بهینه‌سازی ارزش ریال ایران را طراحی می‌نماید. در مقاله دیده می‌شود که در دوره‌ی مورد مطالعه ارزش ریال ایران برای دستیابی به خواسته‌هایی که از منظر سیاست‌گذاری ارزش پول ملی خواسته‌هایی مجاز برای تضعیف ارزش پول ملی نبوده‌اند، به شدت تضعیف شده است. این امر در نهایت به بروز وضعی انجامیده است که اقتصاد ایران از منظر فنی (تکنیکی)، توان دستیابی به دانش فنی روز جهان را از دست داده است زیرا خرید دانش فنی و سرمایه‌گذاری چنان گران شده است که توجیه اقتصادی خود را از دست داده است. در چنین وضعی قدرت رقابت سازندگان ایرانی در برابر

همتایان خارجی به شدت تضعیف شده و اقتصاد به تورمی رکودی برخورد کرده است که حتی در وضعی که بالاترین درآمدهای نفتی تاریخ اقتصادی کشور برای مدتی چنین طولانی حاصل شده، افت تورم به ارقام تکریمی هرگز ممکن نگشته و بی‌کاری به شکل یک عارضه‌ی مزمن در اقتصاد ایران بروز کرده است.

ناتوانی در کنترل حضور کالاهای خارجی که در شکل قاچاق یا ورود قانونی تهدیدی بر حضور محصولات ایرانی در بازارهای ملی بوده است، در بیشتر موارد دولت‌ها را در معرض نکوهش کارگزاران اقتصادی قرار داده است که در کنترل ورود کالاهای خارجی ناتوان بوده‌اند یا سستی نشان داده‌اند، در حالی که معضل حضور این کالاها تا حد زیادی به وضعیت ناکارایی اجتناب‌ناپذیر سازندگان ایرانی ارتباط می‌یابد که به دلیل نداشتن دانش فنی کارآمد زمان و با وجود یک بازار پولی به شدت ناکارآمد و گران، قدرت رقابت خود را در هر صورت از دست داده‌اند.

مطالعات مختلف اقتصادی در کشور، نشان می‌دهد که در حال حاضر نرخ بیکاری محاسبه شده بر مبنای وضعیت غیرتورمی (Non-) = NAIRU

اصلاح ساخت کافی نیست. به این ترتیب تقویت ارزش پول ملی و برگرداندن قدرت خرید به ریال ایران در زمانی که امکان خرید دانش فنی وجود ندارد، هرگز نمی‌تواند ضایعاتی را که سیاست تضعیف ارزش ریال ایران طی سالها به اقتصاد ملی وارد آورده است، جبران کند. اگر محدودیت سیاسی برطرف نشود، استفاده از ابزار ارزش‌گذاری بر پول ملی به تنهایی هرگز کارآیی نخواهد داشت و این نگرانی را به وجود خواهد آورد که در نهایت به بروز ضایعات جدید، از قبیل اوج‌گیری فرار سرمایه، منجر شود.

وقتی تمام جنبه‌های سیاست ارزش‌گذاری بر پول ملی کشور مطرح شود، جایگاه ارزش پول ملی در نگرش ویژه‌ای از توسعه‌ی اقتصادی که در آن آزادی به عنوان خاستگاه نهایی و غایی توسعه مطرح می‌شود، موضوعی است که مقامهای پولی را وا می‌دارد تا به مبحث حفظ ارزش پول ملی به عنوان یک اولویت ملی و خواسته‌ی راهبردی بنگرند. در چنین دیدگاهی مطلوبیت ماهیت رفتار مقام پولی کشور، به عنوان عضوی از دولت، متکی بر همان شروطی می‌شود که مشروعیت دولت بر آن تکیه دارد. در این چارچوب، مقام پولی موظف می‌شود که

Accelerating Inflation Rate of Unemployment) بیش از نرخ

بیکاری جاری کشور است و بنابراین احتمال افزایش شدید تورم در آینده‌ی نزدیک شدت یافته است. در همین چارچوب نشان داده شده است که نرخ رشد اقتصادی متکی به تولید بالقوه (Potential Output) در مقایسه با نرخ رشد جاری در سطحی پایین‌تر قرار دارد. هر دو وضعیت به روشنی حکایت از آن دارد که لازم است ساخت اقتصاد کشور اصلاح شود. به روایت دیگر لازم است وضعیتی اقتصاد چنان تغییر کند که با ورود دانش فنی زمان به عرصه‌ی تولید، کارآیی فعالیتهای اقتصادی کشور افزایش یابد. بدون تردید اصلاح ارزش پول ملی برای رسیدن به اصلاح ساخت یک محور اصلی است که مقام پولی کشور باید به آن عنایت ویژه داشته باشد.

با وجود این نیاز انکارناپذیر، مطالعه نشان می‌دهد که در وضعیت حاضر، اقتصاد ایران به لحاظ سیاسی (تاکتیکی) امکان دستیابی به دانش فنی روز را از دست داده است. در این شرایط اصلاح سیاست ارزش‌گذاری بر ریال ایران، که در نفس خود لازم است، برای رسیدن به

تمام تلاش خود را برای ایجاد وضعی که در آن محدودیتهای تکنیکی (Technical) و تاکتیکی (Tactical) عملکرد مطلوب پول ملی رفع شده باشد، به کار بگیرد و در این راه حتی اصل اطاعت از دولت را نادیده بگیرد. مفهوم استقلال بانک مرکزی که در ادبیات اقتصادی بسیار از آن سخن گفته می‌شود این است که هر زمان که بانک مرکزی برای رسیدن به عملکرد مطلوب بخش پولی حتی دولت کشور را مانع نشمرد و منافع دولت را بر منافع اقتصاد ارجح نداند.

در همین راستا وقتی به اولویتهای قرن حاضر نگریسته شود، سه محور اصلی نگرانی جهان پیش روی بشر، بیکاری، آلودگی محیط زیست و توزیع طبقاتی جوامع بشری دیده می‌شود. با این اوصاف جهت‌گیری تحولات هم در بخش واقعی و هم در بخش پولی باید به جانی باشد که این سه محور را هدف قرار بدهد. همین موضوع است که در دنیای امروز سبب پیدایش سیستمهایی شده است که مشارکت عمومی را در امر انتشار پول و تعیین ارزش آن مجاز می‌شمرد. این تحول در کشورهای پیشرفته ملموس و مشهود است ولی در کشورهای در حال توسعه هنوز عملی نشده است. بنابراین مقام پولی هنوز در شکل سنتی خود

اگر چه از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک، نظریه‌ی مطلوبیت (Utility) معیار برگزیده‌ای برای ارزیابی جهت‌گیریهای اقتصادی محسوب می‌شود که با توسل به آن می‌توان وضعیتهای مختلف را مرتبه‌بندی کرد، در ادبیات اقتصادی- فلسفی، مانند نوشته‌های هایک (F. A. Hayek)، رالز (J. Rawls) و سن (A. Sen)، این نکته به روشنی مشهود است که آزادی در گزینشهای انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد و این جایگاه در دیدگاههای متکی به مطلوبیت نادیده یا، در بهترین حالت، دست کم گرفته شده است. طبیعی است که هرگاه محور و معیار اصلی ارزش‌گذاری از مطلوبیت به

معنای عام، پول ملی در معنای خاص و مقام پولی به عنوان ناشر پول ملی از یک سو و نقش پول و ارزش‌گذاری بر آن برای دستیابی به توسعه‌ی ملی و بهبود مشکلات دنیای فردا از سوی دیگر، بحث دیگری که مطرح می‌شود این است که سیاست‌های ایران در مورد تعیین ارزش پول ملی در دهه‌های اخیر تا چه اندازه توانسته است خود را با الزامات انتشار پول ملی از یک سو و با الزامات توسعه‌ای با مفهومی که ذکر شد، از سوی دیگر، سازگار سازد.

می‌تواند با تغییر در ارزش پول ملی تغییراتی را در جامعه ایجاد کند که به نفع گروه‌های بزرگی از افراد جامعه نیست. در حالتی که امکان حضور گروه‌های مختلف جامعه در انتشار پول وجود داشته باشد، تمام مشکلاتی که در بالا به آنها اشاره شد، می‌تواند در ارزیابیها مد نظر قرار بگیرد. بنابراین وجود شبکه‌های انتشار پول می‌تواند مشکل طبقاتی جامعه را تسکین بدهد و از این راه به توسعه به معنی دستیابی به آزادی برسد.

در نهایت و بعد از بررسی وضعیت‌های مختلف، با شناخت ویژگیهای پول در

بخش یکم: هویت پول

دولت‌ها هم خود به این نتیجه رسیده‌اند که آزادسازی مقام پولی و مستقل کردن این مقام از نفوذ دولت‌ها می‌تواند عاملی در جهت بهبود عملکرد پول باشد. بنابراین نتیجه‌گیری کلی این است که تغییراتی که در ارزش، اعتبار و سایر ویژگیهای پول رخ می‌دهد، باید متکی به وضعیت‌های اقتصادی باشد و معیارهای سیاسی را مد نظر قرار ندهد. با این اوصاف استفاده از سیاست‌هایی مانند تغییر واحد پولی یا تغییر ارزش پول ملی باید بر معیارهایی تکیه داشته باشد که از نظر اقتصادی

در این بخش مباحث مربوط به پول بررسی می‌شود. بررسی نشان می‌دهد که در دنیای امروز پول مفهومی قراردادی یافته است که تفاوتی بنیادی با شکل سنتی آن دارد. اگرچه وظایف پول تغییری نکرده است، امکان انتشار پول خصوصی و خروج کنترل مطلق حق انتشار پول از دست مقام پولی سبب شده است که لزوم ارتباط مستقیم پول با حکومت و حاکمیت مورد تردید قرار بگیرد. در همین راستا دیده می‌شود که

قابل دفاع باشد و در هر حال بتواند عملکرد پول را در حوزه‌ی حضور خود مطلوب و بهینه نماید. اگر پول ملی نتواند وظایف محوله را به درستی انجام دهد، پولهای خصوصی که در حال حاضر در جهان ایجاد شده‌اند، می‌توانند تحولات مورد نیاز در بخش پولی را ایجاد کنند و جوامع مختلف هم به دلیل منافی که از وجود این نوع پولها به دست می‌آورند، استفاده از آنها را مجاز می‌شمرند.

مفهوم پول و ویژگیهای پول ملی

برای شناسایی الزامات ارزش‌گذاری بر پول ملی لازم است مفهوم پول به طور کلی و ویژگی پول ملی به طور خاص مشخص شود. از این گفته چنین برمی‌آید که تمام پول‌ها به لزوم پول ملی محسوب نمی‌شوند و می‌توان پولهایی داشت که ماهیت ملی نداشته باشند. به عبارت دیگر حوزه‌ی حضور پول می‌تواند محدود به یک منطقه‌ی خاص در داخل اقتصاد ملی یا فراتر از پوشش ملی (فراملی) باشد. با این اوصاف لازم است ابتدا مفهوم عام پول شناسایی شود.

در ساده‌ترین مفهوم پول فقط یک توافقنامه (Agreement) است. این توافقنامه می‌تواند اختیاری (Voluntary) یا اجباری (Coerced)، آگاهانه (Conscious) یا ناآگاهانه (Unconscious) باشد و ماهیت آن در طول زمان تغییر نماید یا به شکلی ثابت و پایدار باقی بماند. به قاعده‌ی عرف پول باید در درون یک جامعه تعریف شود، ولی ابعاد این جامعه می‌تواند بسته به تعریف بسیار کوچک (مثل یک محله‌ی خاص) یا بسیار بزرگ (مثل کل جهان) باشد. با این اوصاف، پول می‌تواند محلی، ملی، بین‌المللی، مجازی (Virtual)، تعاونی (Cooperative) یا حتی رقابتی (Competitive) تعریف شود. در تعریف پول هیچ نوع حق انحصاری و امتیاز انفرادی وجود ندارد که مانع از حضور چند پول در یک محدوده‌ی خاص باشد. پول می‌تواند توسط مرجعی خصوصی انتشار داده شود که در این صورت پول خصوصی (Private Currency) نامیده می‌شود یا آن که ناشر آن دولت باشد که در این صورت نقش آن در تمام کشور مورد پذیرش است و پول رواج قانونی (Legal Tender) دارد و آن را پول ملی

(National Currency) می‌نامند. در بسیاری از کشورها انتشار پول خصوصی با مخالفت کامل دولتها مواجه است و دولتها به جامعه اجازه نمی‌دهند پول باب طبع خود را انتشار بدهند. امر واقع این است که هر قدر هم که دولتها رغبتی به پول خصوصی نداشته باشند، جامعه می‌تواند پذیرای آن باشد و در مورد انتخاب پول مورد استفاده‌ی خود از نظر دولت حمایت نکند. یک مثال معروف از پول خصوصی که دولت حمایت خود را از آن متوقف کرد ولی جامعه آن را به رغم نظر دولت مورد استفاده قرار داد، دینار سوئیس (Swiss Dinar) بود. تاریخ پول موارد متعددی از پول خصوصی را مطرح کرده است که به گذشته‌ی بسیار دور برمی‌گردد. به عبارت دیگر انتشار پول خصوصی موضوعی جدید نیست. به عنوان مثال در فاصله‌ی سالهای ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۱

شرکت دلاور بریج (Delaware Bridge Company) اسکناس دلار خود را انتشار داد که در زمان خود مورد پذیرش بود. در همین زمینه در حدود شروع قرن بیستم، در شهر سیدنی در استرالیا سیتی بانک سیدنی اسکناس پوند خود را انتشار داد که یک پول خصوصی بود. امروز عبارت

پول خصوصی جای خود را به پول محلی (Local Currency) داده است که این عبارت در مقابل عبارت پول ملی تعریف می‌شود. در هر صورت هر زمان که از پول خصوصی یا پول محلی سخن رانده می‌شود، منظور پولی است که دولت ملی آن را انتشار نداده و از آن حمایت نمی‌کند. نگاهی به سیر تحولات اقتصاد پول نشان می‌دهد که حضور پول در جوامع مختلف از یک مسیر نیمه‌رقابتی به یک وضعیت به کلی انحصاری سوق یافته و پس از آن یک بار دیگر بخش خصوصی دولت را به معارضة کشانیده و در حال حاضر پول محلی دوباره توانسته است در جوامع حضور یابد و در مقابل رفتارهای غیراقتصادی دولتها به مقابله برخیزد. هابیک تحلیلهای گسترده‌ای در زمینه‌ی پولهای خصوصی و مزایای آنها دارد که از هر نظر خواندنی است.

در هر صورت، ماهیت مقام ناشر پول هر چه باشد، در نهایت پول وظایف مشخصی را در اقتصاد برعهده می‌گیرد و یک پول خوب پولی است که بتواند این وظایف را به بهترین نحو عهده‌دار شود. در سیر گذر پول از عصر قدیم به عصر جدید، پول تحولات ماهوی بسیاری را پشت سر

محدود است زیرا یافتن اشخاصی که بتوانند برابری کامل بین دو نوع کالا را بپذیرند کاری بس دشوار، اگر نه غیرممکن، است. وجود واسطه‌ی مبادله سبب می‌شود که نیاز به حضور دو طرف که مایل باشند کالاها و خدمات خود را با یکدیگر مبادله کنند، از بین برود و به این ترتیب هر مبادله با پرداخت پول و به صورت مستقل انجام شود.

❁ ایفای نقش انبار ارزش (Store of

value). مردم باید بتوانند تحولات ارزش سرمایه و دارایی خود را به دقت بیان کنند و هر نوع مبادله‌ای را که در این داراییها انجام می‌دهند، به دقت ارزش‌گذاری کنند. پس‌اندازهای مردم باید بتواند مقداری ملموس در ذهن پس‌اندازکنندگان داشته باشد. همه‌ی اینها زمانی تحقق می‌یابد که پول بتواند انبار و ذخیره‌ی ارزش محسوب شود.

❁ قابلیت کاربرد به عنوان ابزار

سودخواهی نگرورزانسه

نهاده است تا بتواند به شکل بهتری وظایف خود را انجام دهد. در یکی از بنیادی‌ترین تحولات پول که در سال ۱۹۷۲ میلادی و در پی فروپاشی الزامات سیستم برتون وودز (Bretton Woods System) رخ داد، تمام پولهای ملی کشورهای جهان که توسط مقامهای پولی کشورها انتشار می‌یابد، به پول بدون پشتوانه مبدل شدند تا بتوانند خواسته‌های اقتصادهای جهانی را برآورده کنند. این خواسته‌ها که وظایف اصلی پول محسوب می‌شوند، عبارتند از:

❁ به وجود آوردن استاندارد برای

ارزش‌گذاری بخش واقعی. بدون وجود پول نمی‌توان تفاوت بین یک مزرعه‌ی کاشت گندم و یک کارخانه‌ی تولید الوار را شناسایی کرد. پول می‌تواند استاندارد ارزش‌گذاری را ایجاد کند و با استفاده از این استاندارد می‌توان انواع کالاها و خدمات بخش واقعی را با یکدیگر مقایسه کرد.

❁ حضور به عنوان واسطه‌ی مبادله.

بدون پول و در نظام مبادله‌ی پایاپای، کارآیی مبادله بسیار

(Convertible Ruble) تمام

کشورهای تحت کنترل خود را تحت یک پوشش قرار می‌داد. در مواردی که حکومتها از پول استفاده ای گسترده کرده‌اند و خواسته‌اند نارساییهای رفتاری خود را با تغییر ارزش پول جبران کنند، جامعه در واکنش به این رفتار، پول محلی و خصوصی را گسترش داده است. در واقع حضور پول خصوصی در واکنش به تردیدی بوده است که مردم نسبت به استفاده‌ی درست از این ویژگی توسط حکومت از خود نشان داده‌اند.

اگرچه انتظار کلی بر این است که یک پول خوب بتواند تمام وظایف بالا را به شکلی بهینه انجام دهد، در عمل کارآمدسازی عملکرد پول می‌تواند با پذیرش چند مورد از وظایف بالا هم امکانپذیر باشد. مسئولان پولی کشورها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، در بیشتر موارد برخی از قابلیت‌های مطلوب پول را برای دستیابی به خواسته‌های دیگر فدا می‌کنند. مادام که تنها یک مرجع

(Speculative profit). در دنیای

امروز بیش از ۹۵ درصد مبادلات پولی جهان با انگیزه‌ی سودخواهی نگرورزانه است و تنها کمتر از ۵ درصد مبادلات پولی با انگیزه‌ی دریافت کالاها و خدمات مربوط به بخش واقعی انجام می‌شود. سیاست شناورسازی ارزش پول ملی که از اوت ۱۹۷۲ به مرحله‌ی اجراء درآمد در واقع با هدف تسهیل این خواسته مطرح شد.

✱ قابلیت کاربرد به عنوان ابزار مدیریت بخش پولی توسط حکومتها. این وظیفه یکی از وظیفه‌های سنتی است که حاکمان در همه حال از پول تقاضا کرده‌اند. در روزگاران گذشته حاکمان با ضرب سکه به نام خود، حوزه‌ی حکومتی خویش را تحکیم می‌بخشیدند و اعتبار این سکه‌ها در واقع نشانه‌ای از اعتبار حکومت‌های مالک این سکه‌ها بود. حتی در گذشته‌ای نه چندان دور، اتحاد جماهیر شوروی سابق هم با ایجاد روبل قابل تبدیل

ایجاد پول وجود داشته باشد، انتخاب قابلیت‌های پول می‌تواند بر اساس خواسته‌های آن مرجع تغییر کند. زمانی که انتشار و حضور پول به شکل رقابتی باشد، مراجع مختلف قدرت محدودتری برای اعمال خواسته‌های غیراقتصادی خود خواهند داشت.

در دنیای امروز پول می‌تواند به صورت انبوه و توسط مقام‌های پولی (بانک‌های مرکزی) انتشار یابد یا به صورتی دلبخواهی (ad hoc) توسط سیستم‌های تعاونی اعتباری تعریف شده باشد. پول می‌تواند برای حفظ ارزش مورد استفاده قرار بگیرد یا آن که فقط برای انجام مبادله مصرف داشته باشد. پول می‌تواند با پشتوانه‌ای ملموس و مشهود انتشار داده شود یا یگانه پشتوانه‌ی آن اعتبار مقام پولی کشور ناشر باشد. پول دنیای امروز می‌تواند به شکل‌های مختلف باشد که طیف وسیعی از این شکلها را می‌توان دید.

شکل متعارف پول اسکناس و مسکوک است ولی پول می‌تواند به صورت یک بیت داده‌ی داخل رایانه یا حتی نشانه‌ای که با گچ روی تخته‌ی سیاه گذاشته می‌شود، شناسایی شود. به سادگی می‌توان دید که شکل پول در جهان امروز بسیار گسترده‌تر از شکل نخستین و متعارف پول است. در مواردی حتی الزامات سنتی حفاظتی که در مورد پول کاربرد داشته است، مانند علائم داخل کاغذ (Water mark) یا چاپ انحصاری در مراکز ویژه مانند چاپخانه‌ی توماس دولارو، معنا و مفهوم خود را در مورد پولهای امروزی از دست می‌دهد.

بررسیها نشان می‌دهد که در کلی‌ترین حالت، مطلوبیت استفاده از هر نوع پول را با معیارهای کارکردی مانند واحد شمارش، روش تبدیل پول به سایر پولها، روند تحول ارزش برابری آن پول به سایر پولها و میزان ثبات نسبی برابری ارزش آن پول، میزان و معیار انتشار پول، مزایای رقابتی پول، درآمدها و هزینه‌های وابسته به نگهداری پولها، پشتوانه‌ی پول منتشرشده و معیارهای اعتباری مانند اعتبار مقام ناشر و حوزه‌ی پذیرش آن تعریف می‌کنند. با عنایت به این که مردم با چه هدف و منظوری پول را مورد استفاده قرار می‌دهند، هر یک از این ویژگیها مورد ارزیابی قرار داده می‌شود. به سادگی می‌توان دید که پول

توافقنامه‌ی بسیار پیچیده‌ای است که مدیریت بر آن به تخصص و شناخت ویژه نیاز دارد. در این چارچوب است که دیده می‌شود در کشورهای پیشرفته‌ی جهان که امکانات الکترونیکی و اطلاع‌رسانی در مرز کمال قرار دارند، تعدد انواع پول به مراتب بیش از کشورهای در حال توسعه است که از این امکانات بهره‌مندی محدودی دارند. به عبارت دیگر، در دنیای امروز تعداد و تنوع سیستمهای پولی به شدت رو به افزایش نهاده است و برخلاف دو دهه‌ی گذشته که هیچ سیستمی به جز سیستم پول ملی وجود

نداشت، امروز بیشتر کشورهای پیشرفته‌ی جهان از انواع سیستمهای پولی غیردولتی استفاده می‌کنند.

نظر به این که تنوع پولی یکی از ویژگیهای جهان امروز است، لازم است ویژگیهای پولهای مختلف شناسایی و دسته‌بندی شود. در جدول زیر، به عنوان نمونه، برخی انواع پول و ویژگیهای نظام پولی قادر به استفاده از آن انواع پول مشخص شده است. در این جدول مهمترین پولهای رایج امروز جهان آورده شده است ولی فهرست ارائه شده به هیچ عنوان فراگیر نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مرکز تحقیقات استراتژیک

جدول (۱): انواع پول و ویژگیهای آنها

سیستم پولی سالم و توانمند مکمل جامعه ^(۶)	تشکیل و توسعه ی محفل کسب و کار سوئیس ^(۵)	سیستمهای مبادله ی متکی به جامعه ^(۴)	پولهای زمانی ^(۳)	ساعتهای خاص ^(۲)	پولهای ملی ^(۱)	
تعداد ساعت	ارزش دلار به فرانک سوئیس	مثل دلار سبز ^(۸) که معادل یک دلار معمولی ارزش دارد	تعداد ساعتی انجام کار	ارزش یک ساعت کار بر اساس قرارداد، مثل ساعت ایتاکا ^(۷) که بر اساس قرارداد معادل ۱۰ دلار آمریکا ارزش دارد	واحد پول ملی، مانند دلار، یورو، یین، پوند و ریال ایران	واحد شمارش

1. National Currencies
2. Specific Hours
3. Time Currencies, eg Time Dollars
4. LETSsystems = Local Exchange Trading Systems
5. WIR = *Wirtschaftsrings (Formation and Development of the Swiss Business Circle)*
6. ROCS = Robust Complementary Community Currency System
7. Ithaca Hours
8. Ithaca Hours

جدول (۱): ادامه

نحوه ی انتشار	توسط بانک مرکزی و مقام پولی	توسط مرکز مربوط	توسط تعاونی جمعی ^(۱)	توسط تعاونی جمعی	توسط تعاونی جمعی	
جزئیات انتشار	پول بدون پشتوانه ^(۳) ولی منکی به بدهی ^(۳) که به آن بهره تعلق می گیرد و از این راه رقابت را برمی انگیزد	پول بدون پشتوانه ی حمایت شده ^(۴) با عرضه ی مدیریت شده ی محدود	در بیشتر موارد نرخ تبدیل و ارزش برابری ثابتی برای این پول فرض می شود. به عنوان مثال می توان گفت که ارزش یک ساعت کار تمام اعضای تعاونی با یکدیگر برابر است	در بیشتر موارد از رایج ترین ویژگیهای جامعه استفاده می شود.	از واحد پول ملی (یعنی فرانک سوئیس) برای تعیین مقدار قابل پرداخت استفاده می کند ولی مبلغ را می توان به هر پول دیگر پرداخت نمود.	تراز پول ملی و هزینه ی نگاهداری پول به عنوان واحد ارزش انتخاب می شود.

1. Mutual Credit
2. Fiat Money
3. Debt-based
4. Backed

جدول (۱): ادامه

ترکیبی از ویژگیهای سالم ترین و تألمندترین سیستمهای محلی جهان را در خود جای داده است.
قدیمی ترین و بزرگترین سیستم پولی محلی است که متجاوز از ۸۰ هزار عضو دارد و مبادلات این سیستم به سالانه متجاوز از دو میلیارد دلار می رسد.
سهولت استفاده، وجود یک نرخ ثابت بین پول ملی و پول برگزیده
ساده ترین روش مبادله در جهان امروز است.
سهولت استفاده
برخورداری از رواج قانونی ^(۱)
مزیت اصلی

1. Legal Tender

باید عنایت داشت که در انتشار پول‌های بدون پشتوانه اعتبار مقام ناشر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و به همین دلیل در مورد پولهای ملی بانکهای مرکزی یعنی مقامهای پولی وظیفه‌ی انتشار را برعهده می‌گیرند و در تمام کشورهای جهان بانک‌های مرکزی از جایگاه و اعتبار ویژه‌ای برخوردار می‌شوند. دولت‌ها در هیچ زمان تضعیف بانک‌های مرکزی را در سیاست‌های خود قرار نمی‌دهند و به‌جز چند مورد محدود، واگذاری بانک‌های مرکزی به بخش خصوصی توصیه نمی‌شود ولی استقلال بانک مرکزی از دولت و عملکرد مستقل و عاری از سلطه‌ی بانک مرکزی امری مطلوب شناخته می‌شود. در مقابل، پولهای حمایت شده را تمام کارگزاران اقتصادی می‌توانند انتشار دهند و مقام ناشر وظیفه دارد که پشتوانه و اعتبار آن پول را مشخص کند. قابل توجه است که در حالی که تاریخ اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان به وضوح نشان‌دهنده‌ی موارد متعددی است که دولت‌ها یا مجلس‌های کشورها، توسط مقامات مختلف منحل شده‌اند، در هیچ مورد انحلال بانک‌های مرکزی توسط مقامات دولت در

سابقه‌ی تاریخی جهان مشاهده نشده است. این نکته نشان می‌دهد که معتبر نگاه‌داشتن مقام پولی تا چه اندازه از نظر حکومتها مهم و حیاتی بوده است. انتشار محدود (scarce) پول سبب افزایش رقابت بین پول‌ها می‌شود. پول‌هایی که انتشار محدود دارند باید به قاعده‌ی عرف متکی به بدهی (Debt Money) بهره‌دار (Interest-bearing) باشند. در مقابل پولهایی که انتشار کافی دارند و توسط سیستم‌های تعاونی جمع‌ی انتشار داده می‌شوند، سیستم دوگانه‌ی بدهی و دارایی را رعایت می‌کنند و به همین دلیل نیز میزان انتشار آنها در همه حال در حد کفایت باقی می‌ماند. پولهایی که به عنوان ذخیره‌ی ارزش به کار برده می‌شوند، مثل طلای الکترونیکی (e-gold)، نقره‌ی الکترونیکی (e-silver)، پلاتین الکترونیکی (e-platinum) و پالادیوم الکترونیکی (e-palladium)، مشوق نگاهداری هستند و ابزار رقابتی آنها حفظ ارزش در دوره‌ی نگاهداری است. لازم به ذکر است که پول‌هایی که با نامهای فلزات الکترونیکی شناسایی می‌شوند، در واقع همه پولهای دیجیتال‌اند که با پایهی

فلزات گران قیمت هدایت می‌شوند. با این اوصاف هر قدر این پول‌ها در حفظ ارزش در زمان ذخیره‌شدن، قدرت بیشتری داشته باشند، توان رقابتی آنها بیشتر است. پولهایی که هزینه‌ی نگاهداری دارند، انگیزه‌ی درگردش نگاه‌داشتن پول را افزایش می‌دهند و قدرت رقابت آنها زمانی ظاهر می‌شود که این پولها در گردش باشند.

از نظر اجتماعی وجود سیستمهای مختلف پولی در جامعه سبب به وجود آمدن نقش مکملی می‌شود که استفاده از پول را کارآمدتر و مطمئن‌تر می‌سازد و در عین حال وضعی را ایجاد می‌کند که دولت‌ها نتوانند بیش از حد از پول استفاده‌ی غیراقتصادی کنند یا با تغییرات ناخواسته در ارزش برابری پول، به نفع خود و به زیان جامعه عمل نمایند. هر زمان که دولت‌ها برخوردی سودجویانه با پول ملی داشته باشند، جامعه قادر است پول خصوصی و محلی خود را انتخاب کند و به این ترتیب با محدود کردن کاربرد پول ملی، مانع رفتارهای ناخواسته‌ی دولت بشود.

مزیت سیستمهای پولی مکمل در غیرانحصاری بودن و سادگی شبکه‌ی آنها است و در هر صورت عملکرد آنها نشان داده است که توان عملکرد رقابتی را دارند. این توهم که در کشورهای در حال توسعه به آن دامن زده می‌شود که انواع سیستمهای خصوصی پول می‌تواند عامل اختلال باشد، در واقع در عمل نادرست و خلاف واقع دیده شده است زیرا عملکرد سیستمهای خصوصی طی بیش از یک دهه نشان داده است که این پولها می‌توانند در نفس خود بسیار باثبات باشند. یک دلیل مخالفت دولت‌های در حال توسعه با انتشار و گسترش این سیستمها سست‌شدن پایه‌های سیاستگذارانه‌ی دلخواهی و دلیل دیگر آن نداشتن شبکه‌های کارآمد استفاده از مکانیزمهای رایج در مورد پولهای خصوصی است. با وجود این شفافیت بی‌نظیر پول‌های خصوصی سبب می‌شود که در جوامع پیشرفته، این پولها کاربری داشته باشند و گروه بزرگی از مردم خواهان وجود آنها باشند.

برای روشن شدن جایگاه نسبی پول ملی در مقابل پولهای محلی، در نمودار تصویر ویژگی‌های پول‌های مختلف و حوزه‌ی ماهوی حضور آنها آورده شده است.

نمودار (۱): حوزه ی ماهوی حضور انواع پول

	عرضه ی کافی و برانگیزنده ی همکاری	عرضه ی محدود و برانگیزنده ی رقابت
بدون پشتوانه و متکی به اعتبار مقام ناشر		
حمایت شده و با برخورداری از یک مرجع بیرونی یا تضمین قابل شناسایی		

زمانی که عملکرد بخش واقعی بهینه می شود، عملکرد بخش پولی هم باید بهینه شده باشد. در این حالت هم عوامل اقتصادی و هم پول در جایگاه درست خود قرار می گیرند. مسئولان اقتصادی تلاش می کنند که با توسل به انواع رویکردها، عملکرد بخش پولی و بخش واقعی را

جایگاه یابی پول در اقتصاد کشورها
اقتصاد کشورها را می توان به دو بخش واقعی (Real Sector) و بخش پولی (Monetary Sector) تقسیم کرد. اصل بر این است که تمام تحولاتی که در بخش واقعی به وقوع می پیوندد، همتایی در بخش پولی باید داشته باشد. با این اوصاف

شوند. در مورد پول نظریه‌ی پذیرفته‌شده این است که پول تنها زمانی عامل تقویت اقتصاد ملی خواهد بود که در گردش باشد. در این صورت لازم است تمهیداتی اتخاذ شود که مردم پول را بپذیرند و آن را به گردش بیندازند. از نظر اقتصادی باید وضعی ایجاد شود که مردم بتوانند منابع مالی خود را در شبکه‌های اقتصادی تجهیز کنند و آن را به جانب سرمایه‌گذاری بکشانند. برای این کار لازم است پس‌انداز پاداش داشته باشد و سوق یافتن پس‌انداز به جانب سرمایه‌گذاری، یعنی چشم‌پوشی از مصرف برای مدتی به نسبت طولانی، پاداشی بیشتر دریافت کند. اما زمانی که پرداخت بهره بر اساس زمان چشم‌پوشی از مصرف، از دیدگاه مذهبی نادرست خوانده شود، سه رویکرد با یکدیگر در تضاد می‌افتند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که می‌توان نظام اجرایی پولی سازگاری را ایجاد کرد که در آن سه رویکرد در هیچ زمان در تضاد نباشند. برای این کار لازم است ساخت سنتی پول تغییر کند و یکی از الزامات این تغییر هم خارج کردن کنترل ارزش پول و حق انتشار پول از حوزه‌ی اختیارات دولتها است.

بهبهینه نمایند. برای آن که این دو بخش بتوانند در جایگاه درست خود قرار بگیرند، مسئولان باید از ابزارهای مختلف برای اصلاح رفتار جامعه استفاده نمایند. در کلی‌ترین حالت سه نوع برخورد برای سازگار کردن رفتار جامعه وجود دارد: ایجاد فشار روحی و وجدانی، اجبار و ایجاد الزام و ایجاد انگیزه‌های اقتصادی. برای روشن شدن موضوع در مورد استفاده از سه برخورد ذکر یک مثال ضرورت دارد. وقتی گفته می‌شود که بازیافت زباله برای تداوم رفاه نسلهای آینده مطلوب و الزامی است، مسئولان می‌توانند با آموزش مردم و ایجاد ذهنیت برای آنها، انگیزه‌ی کمک به بازیافت زباله را تقویت کنند یا آن که اعلام نمایند که هرکس که در معرض دید عموم از بازیافت خودداری نماید مجازات خواهد شد یا آن که دولت اعلام کند که در مقابل کمک به بازیافت، مردم پاداشی اقتصادی دریافت خواهند کرد. از دیدگاه کلی گفته می‌شود که ترکیب این سه محور می‌تواند بالاترین سود را به جامعه برساند و این نتیجه بسیار برآورنده و طبیعی دیده می‌شود. در عمل وقتی موضوع با مشکل مواجه می‌شود که سه روش با یکدیگر در تضاد

مزایای سیستمهای مکمل پولی و شبکه‌های مبادله‌ی محلی

شمارش به صورت کالا یا پولهای دیگر تعریف می‌شود. بررسیها نشان می‌دهد که در بین سیستمهای موجود، بیشترین تعداد از واحدهای شمارش مخصوص خود استفاده می‌کنند. پس از آن سیستمهای متکی به واحد شمارش پول ملی قرار گرفته است و سیستمهایی که در آن زمان واحد شمارش است، در مرحله‌ی سوم قرار گرفته‌اند.

در همین راستا نرخ تبدیل پولهای مکمل به سایر پولها موضوع مهمی است که ناشران این پولها به آن توجه ویژه مبذول می‌کنند. در مواردی این پولها به نرخ ثابت به پولهای ملی تبدیل می‌شوند و این برابری ثابت در طول زمان حفظ می‌شود. در سایر موارد نرخ تبدیل قابل مذاکره است و می‌تواند در طول زمان تغییر کند. در جوامع پیشرفته، پولهای مکملی که نرخهای انعطاف‌پذیر دارند، در مقایسه با پولهای مکملی که نرخهای برابری ثابتی را حفظ می‌کنند، طرفداران بیشتری دارند.

از نظر کاربری، برخلاف تصور اولیه، بیش از ۶۰ درصد کاربری این سیستمها برای مصارف عام جامعه است. به بیان

وقتی طیف گسترده‌ای از انواع پولها در اختیار افراد جامعه باشد، رقابت بین پولها ایجاد می‌شود و درصد بیشتری از افراد قادر خواهند بود که پول مطلوب خود را بر اساس نیازهایی که می‌خواهند پول آنها را برآورده کند، انتخاب کنند. سیستمهای پولی مکمل به مقام پولی نیازی ندارند و ضرورتی وجود ندارد که بانک مرکزی برای انتشار آنها وارد عمل شود. انتشار پول در سیستمهای مکمل می‌تواند بدون پشتوانه (مثل پولهای ساعتی)، متکی به تعاونیهای جمعی (مثل سیستمهای مبادله‌ی محلی) یا متکی به پشتوانه‌ی کالایی (Commodity-backed money) باشد. انحصارگریزی یک عامل مهم در فعال شدن سیستمهای مکمل پولی و گسترش فعالیت آنها بوده است.

انتخاب واحد شمارش در پولهای مکمل موضوعی است که مقامهای ناشر این پولها در مورد آن دقت زیادی اعمال می‌کنند. در موارد متعدد ساعات دریافت یا انجام خدمات به عنوان واحد شمارش قرار داده می‌شود. در مواردی هم واحد

دیگر، پولهایی که در سیستمهای مکمل ایجاد می‌شود، به طور کلی مشابه پولهای ملی کاربرد یافته است. این امر نشان می‌دهد که دامنه‌ی پذیرش این پولها در طول زمان گسترده شده است. حدود ۹ درصد از منابع این سیستمها برای توسعه‌ی جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد که نشان‌دهنده‌ی وجود انگیزه برای پیوستن به این سیستمها است. توسعه‌ی بنگاههای کوچک انگیزه‌ی دیگری است که به گسترش سیستمهای پولی مکمل منجر شده است. در هر صورت بررسیها نشان می‌دهد که دامنه‌ی کاربری پولهای ایجادشده در طول زمان گسترش یافته و پذیرش سیستمها روندی توسعه‌ای داشته است.

واقع نیاز به پول ملی برای انجام مبادلات در جهان امروز سیر نزولی یافته است. با وجود این، هنوز تعداد سیستمهایی که از پول ملی برای مبادله استفاده می‌کنند، به نسبت زیاد است هرچند که استفاده از پول ملی برای مبادله به معنی برابری ثابت نسبت به پول ملی نیست و سیاست‌های انتخاب برابری به طور مستقل برگزیده می‌شود. انتظار می‌رود که با گسترش شبکه‌های الکترونیکی، تعداد سیستمهای مکملی که از پولهای الکترونیکی به عنوان وسیله‌ی مبادله استفاده می‌کنند، افزایش یابد. در کلی‌ترین حالت وسیله‌های پرداخت این سیستمها به شرح زیر دسته‌بندی شده است:

وسيله‌ی پرداخت سیستمها هم قابل تعمق است. سیستمهای مکمل از انواع ابزارهای پرداخت شامل پول ملی، کارت‌های هوشمند، حساب‌های چک‌دار، کارت‌های برداشت کددار و آزاد، حساب‌های همراه با تلفن تأیید، انواع انتقال‌های الکترونیکی متکی به نرم افزارهای ویژه و آزاد، کوین، برگه‌های مجوز انجام مبادله و امثال آن استفاده می‌کنند. تنوع ابزارها نشانه‌ای است که در

✓ مبادله با استفاده از ماشینهای پرداخت (ATM-model Transactions) که در آن دارندگان حسابها قادرند از موجودی خود برداشت نمایند.

✓ مبادله‌ی دوطرفی بدون واسطه (Unmediated Two-party Transactions) که در آن خریدار و فروشنده تنها دو طرف معامله

معرفی شد. در این سیستم مشخصات پرداخت‌کننده‌ی پول ناشناس باقی می‌ماند و پرداخت‌کننده می‌تواند هویت خود را پنهان نگاه دارد.

نظر به این که پولهای مکمل در واقع بهره ندارند، به فعالیت‌هایی وارد می‌شوند که این فعالیتها بهره‌وری بالایی دارند و در عین حال مشوق مبادله و همکاری می‌شوند تا میزان عرضه‌ی این پولها به حد کفایت برسد. این موضوع به ویژه در مورد پولهای مکمل بدون پشتوانه مصداق دارد. آن گروه از پولهای مکمل که توسط یک عامل بیرونی حمایت و پشتیبانی می‌شوند و در واقع پول بدون پشتوانه نیستند، در مقابل تورم آسیب‌پذیری کمتری دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا شروع سال ۲۰۰۷ میلادی در ۳۰ کشور جهان ۱۶۷ سیستم پول مکمل فعال شده است. در جدول اطلاعات مربوط به تفکیک سال فعال شدن سیستمها و عملیات آنها آورده شده است.

محسوب می‌شوند. در موارد زیادی از این نوع مبادلات، پول ملی واسطه‌ی مناسبی برای انجام مبادله است.

✓ مبادله‌ی سه طرفی با واسطه (Mediated Three-party Transactions) که در آن کارتهای برداشت و اعتباری به عنوان واسطه وجود دارد یا یکی از دو طرف با استفاده از چک مبادله را انجام می‌دهد.

✓ پرداخته‌های خرد (Micropayments) که در حال حاضر فقط در مورد پرداختهای الکترونیکی کاربرد یافته است. هزینه‌ی این نوع مبادلات بسیار اندک است و

✓ نقد الکترونیکی ناشناس (Anonymous Digital Cash) که با استفاده از سیستم الکترونیک انجام می‌شود و نخستین بار توسط دیوید چاوم (David Chaum) به شکل سیستم دیجی‌کاش (Digicash)

جدول (۲): تحولات سیستمهای پولی مکمل در جهان

سال	تعداد سیستمهای مبادله‌ی محلی	تعداد اعضاء	جمعیت منطقه ای که سیستم مبادله در آن فعال شده است	برآورد بودجه‌ی سالانه به دلار آمریکا	برآورد مبادله‌ی سالانه به دلار آمریکا
--	۹	۷۵,۲۱۰	۱,۱۱۲,۶۰۰	--	--
۱۹۸۲	۱	۱۰۰	--	۹۵۳	--
۱۹۸۵	۱	۲۷۵	۱۲۰	--	--
۱۹۸۷	۲	۴۱۵	۷۸,۰۰۰	۸۶۰	--
۱۹۸۹	۵	۱,۲۳۰	۳۵۴,۵۰۰	۵,۰۸۰	۳۹,۰۶۵
۱۹۹۱	۲	۳۰	۵۰,۰۰۰	--	--
۱۹۹۲	۲	۱۰۰	۸,۰۰۰	--	--
۱۹۹۳	۱	۷۵۰	۸۰۰,۰۰۰	۲۰,۴۴۰	--
۱۹۹۴	۲	۴۰	۱۵۰,۰۰۰	۴۰۹	--
۱۹۹۵	۶	۶۹۰	۲,۳۰۰,۰۰۰	۶۴۵	۲۸,۶۱۷
۱۹۹۶	۶	۲۵,۵۷۵	۳۱,۲۵۲,۰۰۰	۵۳۱,۹۱۶	۲,۱۴۴,۲۴۱
۱۹۹۷	۲	۴۵۵	۱۱۰,۰۰۰	۶۰۵	--
۱۹۹۸	۵۲	۴,۳۲۰	۹,۰۷۵,۵۰۰	۵,۲۰۰	۵۳,۸۷۸
۱۹۹۹	۲	۶۵۵	۱,۵۴۴,۰۰۰	۴۳,۳۰۱	۶۱۸
۲۰۰۱	۱۰	۷,۱۴۵	۱۶,۹۸۵,۴۵۸	۱,۳۶۴	۱,۳۷۵
۲۰۰۲	۸	۴,۲۵۵	۴۰,۱۵۹,۰۰۱	۱,۱۰۶	۱,۸۸۰,۶۷۰
۲۰۰۳	۸	۱۵,۱۲۴	۲,۱۴۸,۷۸۳,۹۴۷	۶۰۵	۴۳۰,۵۰۰
۲۰۰۴	۱۱	۳,۵۹۹	۸,۰۰۳,۵۰۰	۲۷,۵۰۵	۱۳,۹۳۶
۲۰۰۵	۱۳	۱,۷۳۶	۲۷,۲۰۲,۵۰۰	۱۰,۸۱۳	۱۵۷,۷۶۱
۲۰۰۶	۱۷	۱۰۰,۷۹۱	۴۵۴,۷۲۳,۰۰۰	۱۷۲,۲۰۰	۵۰,۰۰۰
۲۰۰۷	۷	۱۰۱,۳۷۲	۱۲۹,۸۴۰,۰۰۰	۸۲۰,۱۲۰	۱,۰۹۰,۱۶۰
جمع فعالان	۱۶۷	۳۴۳,۸۶۷	۲,۸۷۲,۵۳۲,۱۲۶	۱,۶۴۳,۱۲۲	۵,۸۹۰,۸۲۲

در همین چارچوب هم ویژگی‌های نظام‌های پولی با عنایت به ویژگی‌های پول و وضعیت مقام ناشر آن مشخص می‌شود. وظیفه اصلی مقام ناشر این است که اعتبار پول انتشار یافته را حفظ کند و وضعی را به وجود آورد که الزاماتی که کارکرد پول را در زمان انتشار مطلوب می‌کرده است، در تمام زمانهای رواج پول برقرار باقی بماند. یکی از این الزامات توانایی پول در حفظ برابری با سایر پولهایی است که اشخاص قادرند به جای پول مورد بحث از آنها استفاده کنند. حفظ ارزش پول ملی به این معنی نیست که مقام پولی به صورت دستوری و با استفاده از قدرت سازمانی خود ارزش پول را در حدی ثابت نگاه دارد. تضعیف یا تقویت دستوری ارزش پول ملی در هیچ زمان رفتاری بهینه محسوب نمی‌شود. موضوع این است که عملکرد مقام پولی در مدیریت چرخش پول ملی چنان باشد که اقتصاد کشور برابری پول ملی را نسبت به سایر پولها در حدی تضعیف نشده بپذیرد و این پذیرش ناشی از رفتار پولی باشد.

بخش دوم: مبانی توسعه‌ی اقتصادی

در این بخش دیده می‌شود که دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی الزاماتی دارد که باید در قرارداد اجتماعی بین حکومت و ملت مد نظر قرار بگیرد. گزینش تعریفی خاص از توسعه با اشاره به مزیت این رویکرد انجام شده است و این مزیت در بررسی نشان داده شده است. سیاستهای پولی باید در راه دستیابی به توسعه فعال شود و یکی از مبانی آن دستیابی به وضعی است که توسعه‌ی انسانی از اولویت مطلق برخوردار شود. در این چارچوب، ایجاد اجبار و فراهم آوردن وضعیتی که در آن کارگزاران

از نظر دامنه‌ی حضور، پوشش سیستمهای مکمل پولی در کشورهای

اقتصادی از خواسته‌ها و حقوق خود محروم شوند، نمی‌تواند مبنایی برای توسعه‌ی اقتصادی محسوب شود و توسعه در نهایت باید با سیاستهایی حاصل شود که آزادیهای کارگزاران مختلف را تضمین نماید.

محوریت آزادی در توسعه‌ی اقتصادی

آمارتیا سن توسعه را جریانی می‌بیند که طی آن آزادی راستین مردم جامعه پیوسته رو به گسترش است. بنابراین آزادی خواسته‌ی نخستین و ابزار اصلی دسترسی به توسعه محسوب می‌شود. به بیان دیگر، آزادی از یک سو عامل به وجود آوردن و دستیابی به توسعه است و از سوی دیگر خود در ابعاد مختلف و به صورت تواناییهای انکارناپذیر در جریان رسیدن به توسعه‌ی پایدار به دست می‌آید. از جمله‌ی تواناییهایی که در جریان دستیابی به توسعه‌ی پایدار حاصل می‌شود، می‌توان به مواردی مانند:

- ✓ توانمندی گریز از فقر و محرومیت،
- ✓ توانمندی گریز از کاهش عمر و کوتاه‌شدن دوره‌ی عمر و زندگی، و

✓ توانمندی دستیابی به آموزش و شناخت در حد مورد پذیرش شخص، اشاره کرد. در چنین دیدگاهی توسعه باید با توانمندسازی انسان برای بهره‌برداری بهینه از امکانات و گسترش توسعه‌ی انسانی همراه شود. سیاستهای اقتصادی هم باید به‌گونه‌ای باشد که مخل این توانمندیها نشود. در چنین وضعی است که آزادی حاصل می‌شود و به بالا رفتن توانمندیها می‌انجامد.

به قاعده‌ی عرف، جریانی از توسعه که گسترش دامنه‌ی آزادیهای بشری را محور خود می‌شمرد، باید به محرومیت‌زدایی از نیروی انسانی به عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر بنگرد. برخورداری از آزادیهای انکارناپذیر را نمی‌توان با توسل به ابزارهای متعارف اقتصاد کلاسیک، مانند بالا رفتن نرخ رشد تولید ناخالص ملی، یا سوق دادن اقتصاد به جانب توسعه‌ی صنعتی، یا حتی دستیابی به توسعه‌ی صادرات غیر نفتی، دست کم گرفت.

در ارزش‌گذاری بر آزادی به عنوان دستاوردی از توسعه‌ی پایدار، سن پنج

محور مشخص آزادی را مطرح می‌کند و آنها را مجموعه‌ی آزادیهای بنیادی می‌شمرد. این محورها عبارتند از:

یکم: فراهم شدن آزادیهای سیاسی،
دوم: به وجود آمدن تسهیلات اقتصادی،
سوم: دستیابی برابر به فرصتهای اجتماعی،
چهارم: حصول اطمینان از وجود شفافیت رفتاری و
پنجم: ایجاد پوششهای ایمنی و تأمینی فراگیر.

در مورد به وجود آمدن تسهیلات اقتصادی، جریان توسعه‌ای باید چنان باشد که به افراد فرصت و اجازه‌ی بهره‌برداری از منابع اقتصادی را برای ارتقاء و تعالی شخصی آنها به وجود آورد. آزادی تولید، مصرف و مبادله در فعالیتهای اقتصادی، اصولی پذیرفته شده و جدایی‌ناپذیر از جریان توسعه‌ای است.

جریانهای توسعه‌ای باید چنان باشد که به انسانها برای دستیابی گسترده به موارد بالا کمک کند. سیاستهای اقتصادی باید بتواند پیوسته پیوند بین محورهای بالا را افزایش دهد. روشن شدن ماهیت هر یک از این محورها می‌تواند ابعاد توسعه را شفافتر سازد.

در مورد آزادیهای سیاسی، خواسته‌ی اصلی همان برخورداری از حقوق مدنی است. به بیان ساده، مردم حق دارند حکومت خود را برگزینند و اصول حاکمیتی دولت را در چارچوبی معین نمایند که آن را به نفع خود می‌شمردند. به عبارت دیگر، در هر جامعه‌ی مدنی،

در مورد به وجود آمدن تسهیلات اقتصادی، جریان توسعه‌ای باید چنان باشد که به افراد فرصت و اجازه‌ی بهره‌برداری از منابع اقتصادی را برای ارتقاء و تعالی شخصی آنها به وجود آورد. آزادی تولید، مصرف و مبادله در فعالیتهای اقتصادی، اصولی پذیرفته شده و جدایی‌ناپذیر از جریان توسعه‌ای است.

دستاوردهای نهایی افراد، به جریان فعالیتهای اقتصادی آنها وابستگی زیادی دارد. در نهایت، رابطه‌ی بین درآمد و ثروت ملی، یعنی ارتباط بین دستاوردهای اشخاص در گروههای سنی مختلف، به شکل ماهیت توزیع درآمد اضافی ناشی از توسعه، تبلور می‌یابد. به بیان دیگر، ماهیت سهم بری

هر یک از آحاد جامعه از درآمدهای ناشی از توسعه است که می‌تواند مطلوبیت یا ناگواری مسیر توسعه‌ی اقتصادی را نشان دهد.

ماهیت و سهولت دسترسی به منابع مالی بر میزان دستاوردهای شخصی تأثیر به‌سزایی دارد و نمی‌توان آن را در ارزیابیها نادیده گرفت. رفتارهای توسعه‌ای نباید بر سر راه توزیع عادلانه‌ی مازاد درآمدهای ناشی از توسعه، سد ایجاد نماید. در این چارچوب، آن دسته از سیاستهای پولی و ارزش‌گذاری بر پول

ملی که سبب بروز تنگناهای مادی می‌شود و انسانها را به جرگه‌ی محرومیت می‌کشاند، دست کم به دلیل برخورد ضد توسعه‌ای خود، مورد تردید قرار می‌گیرد.

دستیابی به فرصت‌های برابر اجتماعی به تلاشهایی اشاره می‌کند که در نهایت به بهبود وضعیت آموزش، بهداشت و رفاه جامعه منجر می‌شود. وقتی فرصت‌های برابر اجتماعی وجود داشته باشد، اشخاص می‌توانند نقش بهتری در توسعه‌ی پایدار داشته باشند. به عنوان مثال، همزمان با بالا رفتن فرهیختگی و توانایی علمی انسانها، توانمندی آنها در گسترده کردن

دامنه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، افزایش شده. بحثهایی که در مورد برابری زن و مرد صورت می‌پذیرد، در واقع، از این دیدگاه برمی‌خیزد که فرصت‌های برابر سبب می‌شود، سهم هر یک از افراد از مازاد درآمد ناشی از توسعه عادلانه‌تر می‌شود و در عین حال افزایش درآمد هم به حداکثر برسد. با این دیدگاه، سیاستی که مانعی برای رسیدن به فرصت‌های برابر اجتماعی را فراهم می‌آورد، در نهایت نمی‌تواند با توسعه‌ی پایدار سازگاری و توافق داشته باشد.

ضمانت شفافیت رفتاری به مجموعه‌ای از عملکردها اشاره دارد که در نهایت حقوق مردم را در آگاهی از جریانهای مختلف تضمین می‌کند. آن چه در بیان روزانه با عنوان دانستن حق مردم است، مطرح می‌شود، در واقع، تبلور یک خواسته‌ی برحق برخاسته از آزادی پیوند یافته با توسعه‌ی پایدار است. پنهان‌کاری از جنبه‌های مختلف می‌تواند بر توسعه‌ی انسانی خدشه وارد آورد. در همین چارچوب، پنهان‌کاری اقتصادی، به قاعده‌ی عرف، از سطح توسعه‌ی اقتصادی و رفاه مردم می‌کاهد. نمونه‌ی بارز این پنهان‌کاریها مداخله‌ی دولت در

کارهای اقتصادی جامعه است. طرفداران نظریه‌ی کوچک‌شدن دولت‌ها هم از همین منظر به توسعه‌ی اقتصادی می‌نگرند. اگر دولت سیاستی رفتاری تبعیض‌آمیز داشته باشد، بخشی از توان بالقوه‌ی توسعه را زایل می‌سازد. بر این اساس سیاست‌های پولی هر جامعه باید چنان تدوین شود که عامل برتری دادن به یک بخش یا مخدوش شدن تصویر عملکرد یک کارگزار نشود.

دست‌آخر، جریان توسعه‌ای باید به ایجاد پوشش‌های ایمنی و تأمینی بینجامد. آن چه در اصطلاح رایج در بررسی‌های اقتصادی با عنوان شبکه‌ی تأمین اجتماعی خوانده می‌شود، به واقع اقدامی برخاسته از نیاز به ایجاد پوشش‌های ایمنی و تأمینی است. شبکه‌ی تأمین اجتماعی باید بتواند ساختار پوششی خود را در حد امکان عمومی کند تا بتواند در توسعه‌ی اقتصادی مؤثر شود. در این مورد هم سیاست‌های پولی باید در تسهیل ایجاد پوشش‌های تأمینی و ایمنی مؤثر باشد و عملکرد آنها را مورد تهدید قرار ندهد.

محورهای ذکر شده هر یک به تنهایی می‌توانند بر گسترش توانمندی انسانها تأثیر مثبت داشته باشند. با وجود این،

زمانی که این محورها در کنار یکدیگر تقویت شوند، تأثیر آنها بر توسعه‌ی انسانی به مراتب قابل ملاحظه‌تر خواهد شد. با این اوصاف، به سادگی می‌توان دید که چرا دولت‌ها و مقام‌های پولی در جریان برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی ملی باید به این پیوندها عنایت ویژه داشته باشند.

در جهان امروز، نیاز به برخورداری از آزادی در مبادلات اقتصادی به عنوان یک اصل انکارناپذیر پذیرفته شده است. با وجود این، هنوز بسیاری از دولت‌ها به پیوندهای مختلفی که به‌عنوان پیش نیاز این آزادی مطرح می‌شود، پی‌نبرده‌اند. بنابراین، سیاست‌های اقتصادی به‌گونه‌ای تدوین می‌شوند که بسیاری از زمینه‌های توسعه‌ی انسانی را نادیده می‌گیرند. این افراط‌گرایی گاه تا به آنجا کشانیده می‌شود که دولت‌ها مقام‌های پولی را هم وامی‌دارند تا در جهت نفع‌رسانی به دولت، منافع ملت را زیر پا بگذارند و سیاست‌های پولی را چنان تدوین کنند که منافع ملت‌ها را به سوی بودجه‌ی دولت‌ها سرازیر نمایند. در موارد متعدد دیده شده است که دولت‌ها می‌توانند با تغییر دیدگاه‌های خود از یک سو بر درآمد مردم بیفزایند و از سوی دیگر خویش را در تأمین نیازهای

اجتماعی و دفاعی توانمندتر سازند. اصل تقدم فرهیختگی انسانی بر توسعه‌ی مادی سبب شده است که گفته شود پرداختن به توسعه‌ی انسانی یا قراردادن توسعه‌ی انسانی به عنوان محور توسعه‌ی پایدار سیاستی مطلوب و برآورنده است.

آزادی و قدرت خرید

هایک آزادی را به معنی فقدان اجبار تعریف می‌کند. در این تعریف به ظاهر ساده، پیچیدگیهای زیادی نهفته است زیرا تعریف اجبار هم درست به اندازه‌ی تعریف آزادی دشوار است. امر واقع این است که به‌سادگی نمی‌توان تأثیر کارهای دیگران را بر زندگی افراد ارزیابی کرد. به عنوان مثال وقتی گفته می‌شود که کسی مجبور به انجام کاری شده است، به سادگی نمی‌توان فهمید که این اجبار ناشی از تشخیص وی بوده یا آن که به رغم بی‌رغبتی، در نتیجه‌ی فشارهایی که به این شخص وارد آمده است، وی ناگزیر گشته است که کاری را انجام دهد. در موارد متعدد این نارسایی در بیان معنای عمل را به نارساییهای زبان نسبت می‌دهند و گفته می‌شود که چنین نارساییهایی در کلیه‌ی زبانهای جهان

وجود دارد. در ساده‌ترین حالت، اجبار زمانی رخ می‌دهد که اقدام یک فرد ناشی از خواسته‌های فردی دیگر باشد. بنابراین، آن کس که اقدام را انجام داده به دلخواه خود رفتار نکرده است، ولی مطلوبیت فردی دیگر را رعایت نموده است. نکته‌ی قابل توجه این است که عمل، در هر حال، به دست فرد مجبور شده صورت می‌گیرد. به طور خلاصه، آن چه اجبار نشان می‌دهد، این است که حوزه‌ی انتخاب یک فرد به دلیل اعمال اولویت خواسته‌های فردی دیگر، محدود می‌شود. در همین راستا، کسانی که اجبار را نفی می‌کنند، به این نکته توسل می‌جویند که افراد آزاد می‌توانند توانمندیهای مغزی خود را به حداکثر برسانند. بنابراین، جامعه‌ای که از افراد آزاد تشکیل شده باشد، شکوفاتر از سایر جامعه‌ها خواهد شد. این تحلیل تشابهی گسترده با برداشتی دارد که سن برای جایگاه آزادی در توسعه ارائه می‌نماید.

در حالت کلی باید بین اجبار و وضعیتی که در آن فردی مایل و راغب است خدمتی را به فرد دیگر عرضه نماید، تمایز قائل شد. زندگی جمعی ایجاب می‌کند که هر یک از افراد برای برآوردن

نیازهای خود به دیگران وابسته شود. در هر جامعه‌ی آزاد، دریافت این خدمات دو جانبه، امری برخاسته از تمایل افراد است. بنابراین، هر کس می‌تواند بنا به میل خود، به آن کس که بخواهد و بر اساس شروطی که خود معین می‌کند، خدمات موردنظرش را عرضه نماید. در این‌جا به سادگی می‌توان دید که شرط بهره‌مند شدن از منافعی که سایرین فراهم می‌نمایند این است که فرد بتواند خواسته‌های آن افراد را برآورده سازد.

با پذیرش دیدگاه بالا، به‌سادگی می‌توان دید که عمل فروشنده‌ای که حاضر نمی‌شود کالای خود را به قیمتی به‌جز قیمت درخواستی خویش بفروشد، نمی‌تواند از دیدگاه فلسفی نادرست تلقی شود زیرا آن فرد در زمینه‌ی عرضه‌ی کالای خود آزاد است. با همین دیدگاه، فردی که نیروی کار خود را با به قیمتی مشخص و مورد توافق عرضه می‌دارد، نمی‌تواند از سر اجبار عمل کرده باشد. رابطه‌های ذکر شده، هیچ یک بر اساس اجبار، زور و خشونت استوار نیست و می‌تواند در کمال آزادی برقرار گردد. در یک جامعه‌ی آزاد، هر یک از هویتها می‌توانند محدوده‌هایی را بیان کنند که

در چارچوب آن محدوده‌ها کالاها و خدمات خود را عرضه نمایند. انتخاب محدوده‌ها در واقع حق افراد است و حکومت یا دولت حق ندارند این حق را از مردم بگیرند.

از دیدگاه اقتصادی، قیمت نشان‌دهنده‌ی برابری است که در جامعه‌ی متکی به مبادله، کالاها در برابر یکدیگر به دست می‌آورند. قیمت‌هایی که افراد و واحدها معین می‌کنند، دیدگاه‌های فردی آنها را نشان می‌دهد، حال آن که قیمت‌هایی که به مبادله می‌انجامند، دیدگاه‌های جمعی را بیان می‌کنند. در این جریان، هر یک از دو طرف مبادله، سلسله‌ای از مبادلات بعدی را در نظر دارد و بر اساس آن به قیمت‌گذاری می‌پردازد. به بیان دیگر در پس قیمت، موضوع به مراتب ظریف‌تری به نام قدرت خرید نهفته است که در اقتصاد متکی به مبادله‌ی کالا با کالا، به شکلی شفاف قابل مشاهده است ولی در اقتصاد متکی به مبادلات پولی، با ایجاد وضعیت ثبات در ارزش پول ملی یا پول رایج، ملموس و مشهود می‌شود. زمانی که ثبات ارزش پول ملی زایل شود، یا در مواردی که انتظارات مربوط به نوسانهای قابل وقوع در

پول رایج کشور برآورده نگردد، حاصل مبادلات متکی به اقدامات آزاد افراد، وضعیتی می‌شود که خواسته‌ی اقدام‌کنندگان نبوده است. اگر مقامی بتواند ارزش واحد مبادله را تغییر دهد و در مقابل رفتار خود پاسخگو نباشد، آزادی مردم در تعیین قیمت زایل می‌شود. چنین وضعیتی می‌تواند خود نشانه‌ی مرحله‌ای از اجبار یا حاصل اختیار باشد. این اجبار یا اختیار از عامل زایل‌کننده‌ی قدرت خرید برمی‌خیزد. در مواردی که آن عامل خود بر اساس اختیار و آزادی مجوز عمل یافته باشد، وضعیت حاصل شده را نمی‌توان مغل توسعه دانست؛ اما اگر چنین مجوزی وجود نداشته باشد، اصل آزادی زیر پا نهاده شده و مداخله در حوزه‌ی فردی اشخاص صورت پذیرفته است.

بخش سوم: کارگزاران اقتصادی و

مبانی عدالت در روابط بین آنها

در این بخش ساختار عادلانه‌ی روابط بین کارگزاران مختلف اقتصادی مد نظر قرار می‌گیرد تا مشخص شود که هر کس بر اساس چه ضابطه‌ای حق دارد خواسته‌های خود را در جامعه به مرحله‌ی اجراء درآورد و چه وضعیتی باید وجود داشته باشد تا عدالت اقتصادی حاصل شود. در این بخش دیده می‌شود که هیچ یک از هویت‌های مجاز جامعه حق ندارند از حوزه‌ی حضور خود پا فراتر بگذارند. ورود به حوزه‌های غیرمجاز عامل کاستن از توسعه است. در بحث دیده می‌شود که حضور دولت در فعالیتهای اقتصادی و در

به طور خلاصه، در حالتی که ارزش کالاها و خدماتی که هر یک از افراد جامعه می‌توانند در وضعیت آزادی کامل ارائه نمایند، مبنای تعیین قدرت خرید جامعه قرار بگیرد، وضعیتی که حاصل می‌شود، در جهت شکوفایی اقتصاد ملی و دستیابی به توسعه است. تغییر در این ارزش یا قدرت خرید هم، بدون رعایت

تصمیم‌گیریهای اثرگذار بر زندگی عامه‌ی مردم تنها زمانی مجاز است که عامل افت کیفیت زندگی اکثریت مردم نشود و گروهی که در هر صورت در اثر سیاستهای اجراء شده زیان می‌بینند، بتوانند به صورتی شفاف به این نتیجه برسند که تغییراتی که در رفاه آنها رخ داده است، در کوتاه مدت به نفع اکثریت جامعه و در درازمدت به نفع کل جامعه است.

انواع هویت‌های مجاز

از بحث بالا چنین برداشت می‌شود که جامعه متشکل از مجموعه‌ای از هویتها است که، هر یک بر اساس قاعده‌ای که تا این لحظه در مورد آن بحثی صورت نپذیرفته است، حوزه‌ای به نام حوزه‌ی حضور فردی دارند که در آن حوزه حق دارند آن‌سان که خود مطلوب می‌شمرند، فعالیت داشته باشند. در جوامع مختلف، تعیین این حوزه‌ی حضور به یقین باید به نوعی با توافق جمعی صورت پذیرد. ماهیت این توافق باید در قالب قانون ثبت شود و به شیوه‌ای برآزنده، ثبت و قابل اجراء شود. بنابراین، پرسشی که در این مرحله می‌توان مطرح کرد این است

که قانون مربوط به حوزه‌های عملیاتی چگونه نوشته می‌شود؟ برای پاسخگویی به این پرسش لازم است ماهیت انواع هویت‌های هر جامعه شناسایی و مشخص شود که چگونه در جوامع مختلف، پیوندهای جمعی شکل می‌گیرد و چگونه می‌تواند حاکمیت خود را بر اشخاص اعمال نماید.

برای پاسخگویی به مورد نخست باید انواع هویت‌های موجود در هر جامعه را شناسایی کرد. این شناسایی بر اساس یک طبقه‌بندی صورت می‌گیرد. در ساده‌ترین حالت می‌توان گفت که در هر جامعه دو نوع هویت وجود دارد:

یکم: هویت فردی (Private Body)، و دوم: هویت جمعی (Public Body).

اشخاصی که در یک جامعه زندگی می‌کنند می‌توانند به صورتهای مختلف در قالب هر یک از این دو هویت دیده شوند و هیچ دلیلی وجود ندارد که تصور شود هر کس فقط می‌تواند یک بار و تنها در قالب یک هویت ظاهر شود. برای روشن شدن موضوع، بحث بیشتر ضرورت دارد.

کوچکترین نمونه، هویت فردی هر یک از اشخاص حقیقی است که در جامعه

زندگی می‌کنند. اشخاص حقیقی را می‌توان در اصطلاح هویت فردی ناب هم نامید زیرا این اشخاص همیشه در شکل هویت فردی باقی می‌مانند و نمی‌توان هرگز هویت جمعی از آنها به وجود آورد. در این تعریف بعد زمان و بعد مکان مطرح نمی‌شود، زیرا بسته به تعریفی که از جامعه ارائه می‌شود، زمان و مکان می‌تواند تغییر کند. در ساده‌ترین شکل، وقتی موضوع ارزش ریال ایران در سالی خاص مطرح می‌شود، بعد زمان به آن سال خاص و بعد مکان به کشور ایران اشاره دارد، هر چند که می‌توان موضوعی را مطرح کرد که در آن بعد زمان به دوره‌ی زندگی نسل بشر و بعد مکان به سراسر جهان اشاره داشته باشد. با وجود این، محدوده‌ی حضور هر یک از هویت‌های فردی به دوره‌ی زندگی آن هویت ختم می‌شود و نمی‌تواند بیرون از آن باشد.

در جوامع، هویت‌های فردی بزرگتر هم وجود دارد. این هویتها در گفته‌های روزانه با نام اشخاص حقوقی شناخته می‌شوند. این هویتها را در محدوده‌های کوچکتر هویت جمعی به حساب آورد. به عنوان مثال یک شرکت سهامی در جامعه‌ی متشکل از سهامداران آن شرکت، یک هویت جمعی است در حالی که در اقتصاد کشور یک هویت فردی محسوب می‌شود. با این اوصاف، برخی از هویتها با در نظر گرفتن مکان حضور خود می‌توانند به شکل فردی یا جمعی درآیند. بدیهی است که در هر شکل حضور، چارچوب رفتاری آنها متفاوت خواهد بود. هر هویت جمعی در محدوده‌ی خاص خود حضور می‌یابد و می‌تواند مدعی برخورداری از حقوقی شود که شاید هویت‌های فردی تشکیل دهنده‌ی هویت جمعی از آن برخوردار نباشند.

بزرگترین هویت جمعی در هر جامعه دولت است. این هویت نماینده‌ی خواسته‌های مجموعه‌ی هویت‌های فردی جامعه است و فرمان رفتاری خود را از آنها دریافت می‌دارد. این هویت باید در هر زمان نماینده‌ی خواسته‌های جمعی هویت‌های فردی باشد. در این جا باید توجه داشت که دولت را نمی‌توان نماینده‌ی جناح اکثریت به‌شمار آورد. تا زمانی که دولتی بر مصدر امور ننشسته باشد، نماینده‌ی جناح هوادار خود محسوب می‌شود، ولی از زمانی که مسئولیت اداره‌ی کشور را بر عهده گرفت و به حاکمیت مبدل شد، دیگر نماینده‌ی تمام هویت‌های فردی محسوب می‌شود.

با مشخص کردن ماهیت هویت‌های هر جامعه، اکنون موضوع دوم یعنی نحوه‌ی حاکمیت مطرح می‌شود. بدون تردید، رابطه‌ی بین هویت جمعی و هویت‌های فردی تشکیل دهنده‌ی آن موضوعی است که بر اساس قاعده‌های متعارف و مرسوم هر جامعه مشخص می‌شود. امر واقع این است که حکومت هویتی جمعی است که اکثریت هویت‌های فردی جامعه با اصول رفتاری آن توافق داشته‌اند و آن اصول را براننده شمرده‌اند. فرض نهفته در این گفته این است که در کشور مردم سالاری وجود دارد و رأی هویت‌های فردی عامل تشکیل هویت جمعی شده است.

حکومت، دولت و کیفیت زندگی

ماهیت حکومت و دولت هرچه باشد، امر واقع این است که پیوند بین جامعه و دولت یک قرارداد اجتماعی است که وجود آن سیب از دست دادن پاره‌ای آزادی‌های فردی و به دست آوردن برخی مزایای جمعی می‌شود. ارزیابی آن چه هر هویت فردی از دست می‌دهد، در مقابل آن چه تحت لوای هویت جمعی به دست می‌آورد، موضوعی است که در نهایت مطلوبیت وجود قرارداد اجتماعی را به اثبات می‌رساند.

ژان ژاک روسو از دیدگاه فلسفی به این نتیجه می‌رسد که تنها زمانی وجود جامعه معنی و مفهوم می‌یابد که بتوان جامعه را ابزاری برای توانمند کردن افراد

به این ترتیب مشخص می‌شود که آن چه آمارتیا سن از آن با عنوان فراهم شدن آزادی‌های سیاسی در قالب تداوم توسعه نام برده است، پیوندی است که بین هویت جمعی و هویت‌های فردی باید وجود داشته باشد تا جامعه در مسیر توسعه گام بردارد. در همین راستا می‌توان دید که قاعده‌ی رفتاری هویت جمعی توسط اکثریت هویت‌های فردی و با در نظر گرفتن قاعده‌های برخاسته از چهار محور دیگر مشخص می‌شود.

در راه دستیابی به مراتبی محسوب کرد که افراد در هویت فردی خود قادر به رسیدن به آن نباشند. در این چارچوب، جامعه باید ابزاری ضروری برای به کمال رسانیدن تواناییهای نهفته در وجود اصلی بشر تلقی شود. به بیان دیگر، اراده‌ی آزاد افراد، یا هویت‌های فردی، با این بینش به تشکیل هویت جمعی کشانیده می‌شود که وجود این هویت در نهایت به بالا رفتن کیفیت زندگی هویت‌های فردی منجر می‌گردد. در همین راستا، حفظ آزادی در یک ساخت متکی به قانون، چارچوبی است که به هویت جمعی اعتبار و مشروعیت می‌بخشد.

به طور خلاصه، وجود دولت باید عامل بالابردن رفاه و کیفیت زندگی مردم شود. نهادهایی که توسط هویت جمعی به وجود می‌آیند تا تحت حفاظت این هویت قرار گیرند، همه باید در جهت بالا بردن کیفیت زندگی هویت‌های فردی عمل کنند. برای مثال، تلاش‌های گسترده‌ای که در زمان حاضر توسط بسیاری از دولتها برای نشان‌گذاری تورم (Inflation Targeting) صورت می‌پذیرد، نشانه‌ای از تمایل عمومی دولتها به حفظ رفاه عامه‌ی مردم از راه محدود کردن امکان مخدوش شدن

خواسته‌ی آنها در امر قیمت‌گذاری است. در همین چارچوب می‌توان از مکانیسم‌های بازار آزاد به‌عنوان یکی از نهادهای جامعه نام برد که از جمله‌ی ترتیباتی است که می‌تواند برای رسیدن به وضعیتی به‌کارگرفته شود که در آن همه‌ی هویت‌های فردی در موقعیت بهتری قرار بگیرند.

وقتی دولت با مفهوم بالا پذیرفته می‌شود، بسیاری از ابهامات و نارساییهایی که در برخوردهای متعارف وجود دارد، برطرف می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به بحث‌های مفصلی اشاره کرد که در مورد واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی، یا در اصطلاح خصوصی‌سازی، مطرح می‌شود. هواداران خصوصی‌سازی بر این عقیده‌اند که حضور دولت سبب کاهش کارایی عملکرد بازار می‌شود. این گروه در هواداری از بازار آزاد و عملکرد آن، دولت را نفی می‌کنند. مخالفان خصوصی‌سازی هم در دفاع از دولت و لزوم حضور آن در جامعه، مکانیسم‌های بازار آزاد را خلاف عدالت می‌شمرند. بنابراین وجود همه‌جانبه‌ی حاکمیت بازار را مردود می‌خوانند. در همین راستا بحث‌های مربوط به تغییر ارزش پول ملی

در چارچوب اثر این تغییر بر اقتصاد ملی و عملکرد بازار آزاد می‌تواند ارزیابی شود و اصل گریز از انحصار دولت به عنوان یک موضوع بسیار بااهمیت زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا اگر بخش خصوصی قادر به

ارائه‌ی وضعیتی مطلوبتر برای ارزش واحد مبادله باشد، این حق وجود داشته باشد که وی بتواند توانایی خود را به اثبات برساند و سیاستی را که به حفظ آزادی اقتصادی منجر می‌شود به مرحله‌ی اجراء بگذارد.

در ساخت جدید، زمانی که نهاد مکانیسم بازار به‌عنوان یکی از ابزارهای جامعه در راه بیان خواسته‌های هویت‌های فردی با هدف رسیدن به دیدگاه‌های جمعی در نظر گرفته شود، تضادی که در مورد ناسازگاری دولت با مکانیسم بازار بیان می‌شد، در شکل ساختاری خود از بین می‌رود و به تضادی برخاسته از عملکردها مبدل می‌شود. در واقع، مشکلاتی که در متون مختلف به آنها اشاره می‌شود، هیچ یک از وجود دولت یا مکانیسم بازار، در نفس هر یک از این دو، بر نمی‌خیزد. مشکلات همه از عوامل دیگری ناشی می‌شود که شاید اشاره به مواردی از آنها بتواند روشن‌گر باشد.

در جانب دولت، مشکل از نادیده‌گرفتن ماهیت وظیفه‌ی دولت برمی‌خیزد. بررسی رفتار دولتها نشان می‌دهد که در حالت کلی دولتها در سه وظیفه ظاهر می‌شوند:

الف: به صورت نمایندگی کلیه‌ی نسلها، از زمان گزینش تا آینده‌ی قابل پیش بینی. در این وظیفه، دولت آینده نگر است و هویت جمعی خود را مدنظر قرار می‌دهد.

ب: به شکل مقام حاکمیتی و به قصد تسهیل خواسته‌های هویت‌های فردی جامعه. در این وظیفه، دولت حافظ و مدافع حقوق ملت در چارچوب عملکرد یک جامعه‌ی مدنی است و ماهیت هویت جمعی را پذیرفته است.

پ: به صورت یک هویت فردی در قالب شخص حقوقی. در این وظیفه دولت باید به قاعده‌ی عرف، مثل هر کارفرمای دیگر در جامعه باشد و در تصمیم‌گیری‌هایی که در مقام هویت جمعی خود اتخاذ می‌کند، هویت فردی خود را بر سایر هویت‌های فردی ارجح نشمرد.

مطالعات مختلفی که در مورد عملکرد دولتها وجود دارد، نشان می‌دهد که هر زمان که دولتها هویت فردی اتخاذ کرده‌اند و این هویت را با هویت جمعی خود در آمیخته‌اند، حاصل کار ایجاد اختلال در مکانیسم بازار بوده است. در بیشتر موارد، گروههایی که نابسامانیهای موجود در چنین حالتی را مشاهده کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که برای اصلاح وضع باید یکی از دو مجموعه‌ی ناسازگار از حضور در اقتصاد کشور بازداشته شود.

از طرف دیگر، وقتی بازارها درست عمل نکرده‌اند و به جای منطقی کردن توزیع سهم‌بری از منافع بازار، تنها برای حفظ منافع یک گروه خاص فعال شده‌اند، مخالفان بازار، به جای انتقاد از عملکرد، اصل نهاد را مورد سرزنش قرار داده‌اند. به این ترتیب، مخالفان بازار خواهان مداخله‌ی جدی دولت برای جلوگیری از عملکرد بازار شده‌اند. مشکل اصلی در این قبیل موارد، از فقدان شفافیت، ناآگاهی یا محدودیت کارآیی ناشی شده است.

به سادگی می‌توان دید که در بینش توسعه‌ی پایدار، دولت باید در هویت جمعی خود بکوشد تا مکانیسمهای کارآمدسازی بازار را فعال سازد. حضور دولت در اقتصاد باید در خدمت تسهیل آزادی هویت‌های فردی باشد. به بیان دیگر، هیچ تضادی بین حضور قانونی دولت در اقتصاد کشور و کارآیی عملکرد بازار وجود ندارد.

نتیجه‌ای که از بررسی این مثال حاصل می‌شود این است که در قرارداد اجتماعی بین دولت و هویت‌های فردی، اصل بهبود کیفیت زندگی به عنوان یک پیش شرط مطرح می‌شود. بنابراین نمی‌توان تصور کرد که اکثریت یک جامعه به افت کیفیت زندگی خود رأی بدهند و خواهان پایین آمدن سطح زندگی خویش شوند. در این بینش، کلیه‌ی نهادهایی که در نفس خود می‌توانند برای بهبود ارتباطات بین هویت‌های فردی به کار گرفته شوند، باید به قاعده‌ی عرف بتوانند توسط هویت جمعی با کارآیی بیشتر برای حفظ منافع هویت‌های فردی مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

نگاهی دقیقتر به بحث‌ها و استدلال‌های کلاسیک هواداران اقتصاد آزاد نشان می‌دهد که خواسته‌ی اصلی این گروه آن است که حاکمیت قانون به محدوده‌ی فعالیتهای اقتصادی هم

کشانیده شود. اگر این زمینه‌ی فکری نادیده گرفته شود، ریشه‌یابی دلایل مخالفت افرادی مانند آدام اسمیت و جان استوارت میل با موضوع مداخله‌ی دولت در کارهای اقتصادی ناممکن می‌گردد. بنابراین، افرادی که با اصول کلی حاکمیت قانون آشنایی ندارند، به‌سهولت برداشت نادرستی از گفته‌های افرادی مانند آدام اسمیت خواهند داشت. بررسی‌های تاریخی از تحولات فکری در مکاتب اقتصادی نیز به وضوح نشان می‌دهد که بسیاری از متفکران اقتصادی پس از آدام اسمیت هم دچار چنین برداشت نادرستی شده‌اند.

در ارزیابی نهایی باید بین سیاستهای اجبارآفرین دولت و سیاستهای متکی به ارائه‌ی خدمت توسط این هویت جمعی تفاوت قائل شد. دولت‌ها می‌توانند در مواردی که هویت‌های فردی مایل به حضور و فعالیت نیستند، وارد صحنه‌ی اقتصادی بشوند. وجود الزام سبب می‌شود که دولت بتواند توجیهی داشته باشد که خود را به‌عنوان هویت جمعی، برای انجام فعالیتی مجاز بشمارد که هویت‌های فردی هم می‌توانسته‌اند آن را به‌سادگی انجام دهند. در موارد اخیر، هزینه‌ی حضور دولت در فعالیت اقتصادی بیش از سود انجام فعالیت است.

نگاهی دقیقتر به موضوع نشان می‌دهد که مخالفت افرادی مثل آدام اسمیت با مداخله‌ی دولت در کارهای اقتصادی در چارچوبی مطرح می‌شد که بیم آن می‌رفت که چنین مداخله‌ای به ایجاد اختلال در حوزه‌ی مشروع آزادی هویت‌های فردی منجر شود. از آن جا که بر اساس اصل حاکمیت قانون، ایجاد هرگونه اختلال در این حوزه خلاف و غیرمجاز است، اسمیت و دیگران هم با حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی مخالفت ورزیده‌اند. بنابراین ریشه‌ی مخالفت اینان

به‌طور خلاصه، اگر پذیرفته شود که شرط لازم برزندگی حضور هویت جمعی این باشد که بودن این هویت عامل کاهش کیفیت زندگی هویت‌های فردی نشود، چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر اقدام دولت که به افت کیفیت زندگی منجر شود، بر اساس اصل ارتباط بین هویت جمعی و هویت‌های فردی، ناقض مشروعیت هویت جمعی خواهد شد. تنها مورد استثناء بر این قاعده‌ی کلی، زمانی است که یک هویت فردی با فرارفتن از حوزه‌ی عملیاتی خویش، به حوزه‌ی عملیاتی برخی دیگر از هویت‌های فردی تجاوز کرده باشد.

در این مرحله، ذکر چند مورد از عملیات اختلال‌آفرین دولت می‌تواند حوزه‌های غیرمجاز عملیاتی را مشخص کند. به‌عنوان مثال، دولتی که با صدور انواع مجوزها عده‌ای را از انجام پاره‌ای از فعالیت‌های اقتصادی باز می‌دارد، در واقع می‌تواند با ایجاد سود بادآورده (Windfall Gain) و افزونه (Rent) در کارهای اقتصادی اختلال ایجاد نماید. البته این گفته بدان معنی نیست که دولت‌ها نمی‌توانند، یا حق ندارند، ضابطه‌های عمومی و کلی را بپذیرند. وجود قوانین و

ضابطه‌ها برای حصول اطمینان از شفافیت و سلامت عملکرد هویت‌های فردی جزو وظایفی است که تعلق آن به هویت جمعی انکارناپذیر است.

موارد دیگری هم وجود دارد که در گروه عملیات غیرمجاز هویت جمعی دسته‌بندی می‌شود. به‌عنوان مثال، قیمت‌گذاری توسط دولت، ایجاد انحصار و محدود کردن آزادی عقد قرارداد توسط هویت‌های فردی، همه به کاهش کیفیت زندگی می‌انجامد و اجرای آنها توسط هویت جمعی سبب می‌شود که مشروعیت عملکرد هویت جمعی مورد تردید قرار بگیرد. ایجاد انحصار در زمینه‌های پولی که در دهه‌های گذشته به دلیل توسل به حقوق حاکمیتی دولت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر دیده می‌شد، در سال‌های اخیر با تحولات الکترونیکی به موضوعی مبدل شده است که تنها زمانی توجیه دارد که بتواند منافع جمعی را تضمین کند. با این نگرش، سیاست‌های پولی در زمان حاضر بسیار محدودتر از گذشته می‌توانند به آزادی‌های فردی آسیب وارد آورند زیرا اگر این سیاست‌ها آزادی‌های فردی را مخدوش نمایند، هویت‌های فردی حق دارند با ایجاد تشکلهای برازنده، پول مورد

ایران به دولتی رأی دهند که ظرف مدت سه سال تمام منابع پایان‌پذیر نفتی را استخراج کند و درآمد حاصل از آن را بین مردم تقسیم نماید، آیا می‌توان عمل دولت را اقدامی موجه در چارچوب عملیات هویت جمعی به حساب آورد؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش باید پرسش جدیدی را مطرح کرد. آیا اگر مردم می‌دانستند که منابع نفتی به نسل آینده تعلق دارند، هنوز به سیاست فروش کامل منابع نفتی در زمان حال رأی می‌دادند؟ دور از ذهن نیست که گفته شود که پاسخ به پرسش اخیر منفی است. به گفته‌ی جان رالز، اگرچه افراد در مورد مفاد قرارداد اجتماعی خود برای ایجاد یک جامعه عقاید متفاوتی دارند، همه‌ی آنها در ذهن خویش تصویری از وضعیتی که آن را عادلانه می‌شمرند، ترسیم می‌کنند. به بیان دیگر، انسانها می‌توانند تصویری از وضعیت بهینه‌ی یک ساخت اجتماعی را در ذهن خویش مجسم نمایند.

رالز معتقد است که مردم می‌توانند بر سر این نکته به توافق برسند که نهادی عادلانه برخوردار می‌کند که هیچ‌گونه تفاوت یا تبعیض دلخواهی بین افراد در

پذیرش خود را معرفی کنند و از این راه آزادیهای از دست‌رفته‌ی خویش را باز یابند.

جایگاه عدالت در رابطه‌ی بین هویت‌های فردی و هویت جمعی

از آن‌جا که مشروعیت هویت جمعی به رابطه‌ی بین هویت‌های فردی و هویت جمعی برمی‌گردد، یکی از پرسشهایی که مطرح می‌شود این است که ماهیت این رابطه چگونه باید باشد تا پذیرش آن مورد تردید قرار نگیرد؟ یکی از ویژگیهایی که برای مطلوبیت رابطه‌ی مورد بحث می‌توان برگزید این است که مطلوب شمردن عملکرد هویت جمعی بدون در نظر گرفتن جایگاه هویت‌های فردی انجام شده باشد. به بیان دیگر، رأی اعتماد به هویت جمعی تنها از جانب گروهی داده نشده باشد که خود منافع مستقیمی در عملکرد هویت جمعی داشته اند. این شرط در ظاهر بسیار عجیب دیده می‌شود ولی در واقع به مبحثی اشاره می‌نماید که منطق قابل دفاعی دارد.

برای روشن شدن موضوع، ذکر یک مثال ضرورت دارد. اگر بنا به فرض تمام هویت‌های فردی حاضر در جامعه‌ی امروز

مورد انتساب حقوق و وظایف قائل نشود و قواعد وضع شده بتواند ترازوی برانزنده بین مدعیان رقیب برای دریافت مزیت‌های اعطایی از آن نهاد برقرار کند. پذیرش تعریف بالا، البته، به‌سادگی صورت می‌گیرد زیرا دو عبارت تبعیض دلبخواهی و تراز برانزنده را می‌توان به شکل‌های مختلف تعبیر کرد و هر کس، با هر سلیقه، می‌تواند یکی از تعبیرها را بپذیرد. در چارچوب کلی، موضوعهای مختلفی را می‌توان از نظر عادلانه یا ناعادلانه بودن ارزیابی کرد. بنابراین، هویت جمعی، هر یک از سیاست‌های برگزیده‌ی آن هویت، نهادهای مختلف جامعه و حتی رفتارهای فردی هویت‌های فردی را می‌توان به‌بوته‌ی ارزیابی عادلانه بودن سپرد. تردیدی نیست که هویت‌های جمعی پیوسته از نظر سیاست‌هایی که اجراء می‌کنند، باید آزمون عدالت را بگذرانند زیرا عادلانه بودن شرطی است که پذیرش عمومی را قابل دفاع و قابل پذیرش می‌سازد.

بررسی دقیق‌تر موضوع نشان می‌دهد که عدالت به معنایی که رالز به آن می‌اندیشید، یا در نظریه‌های قرارداد اجتماعی لاک، روسو یا کانت تدوین شده است، از پایگاهی برمی‌خیزد که بر اساس آن هویت‌های فردی با این باور که از جایگاهی مشابه برخوردارند، و با آزادی کامل و بر اساس اصول عقلایی عمل می‌کنند، برای دستیابی به خواسته‌های خویش آن را می‌پذیرند. بنابراین، حاصل عمل این هویت‌ها همیشه عادلانه و منصفانه است زیرا اتخاذ تصمیم به هیچ‌گونه تبعیض یا پیش‌داوری متکی نیست. در واقع، زیبایی عدالت و وضعیت عادلانه از آن‌جا برمی‌خیزد که نقطه‌ی شروع قضاوت و ترسیم وضعیت عادلانه، حالتی است که برابری مطلق در آن حکمفرما است. به بیان دیگر، هویت‌های فردی وضعیت عادلانه را در چارچوبی مشخص می‌کنند که خودشان نمی‌دانند در کدام نقطه‌ی این چارچوب قرار می‌گیرند.

مقایسه‌ی این وضعیت با چارچوب‌های متکی به نظریه‌ی مطلوبیت قابل توجه است. در نظریه‌ی مطلوبیت باید وضعی به وجود آید که طی آن مجموع مطلوبیت‌های فردی به حداکثر برسد. بنابراین سیاستی که در این راستا عمل می‌کند، از دیدگاه هواداران نظریه‌ی مطلوبیت قابل پذیرش است. هواداران این نظریه چنین استدلال می‌کنند که در

ارزیابی خواسته‌های هویت‌های جمعی درست همان اصولی مد نظر قرار می‌گیرد که هویت‌های فردی برای رسیدن به خواسته‌های خود به آنها نظر می‌افکنند. در این‌جا، الگوی رفتاری هویت‌های فردی مبنای ارزیابی عملکرد هویت جمعی قرار می‌گیرد.

در نظریه‌ی عدالت، هویت جمعی وجودی مجزا می‌شود که خواسته‌هایش بر اساس مفاد قرارداد اجتماعی باید ارزیابی شود. بنابراین ارزیابی عملکرد هویت جمعی نمی‌تواند با در نظر گرفتن مجموع مطلوبیت‌های هویت‌های فردی صورت پذیرد. در نظریه‌ی عدالت دو اصل کلی باید رعایت شود: نخست آن‌که هر هویت فردی از حقی برابر برای دستیابی به آزادی‌های بنیادین برخوردار است و از این نظر بین هویت‌های فردی برابری کامل برقرار است.

و دیگر آن‌که توزیع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی چنان صورت می‌پذیرد که انتظار می‌رود:

یک: با در نظر گرفتن چارچوب‌های عقلایی چنین توزیعی به نفع همه‌ی آحاد جامعه باشد، و

دو: نابرابریها به نهادها و مراجعی پیوند می‌یابد که همه‌ی هویت‌های فردی می‌توانند در آن جایگاه داشته باشند.

برای روشن شدن موضوع، ذکر یک مثال می‌تواند مفید باشد. به عنوان مثال اگر در وضعیتی که منابع ارزی کشور محدود باشد، نابرابری در توزیع ارز بین متقاضیان به‌گونه‌ای باشد که گروه‌هایی که بیشترین خالص ارزآوری را دارند، یا بالاترین کاهش در ارزیابی را به‌وجود می‌آورند، بیشترین دسترسی را به منابع ارزی داشته باشند، شاید بتوان گفت که گروه‌هایی که ارز دریافت می‌کنند، در نهایت بیشترین خالص ارزآوری را برای جامعه دارند و بنابراین جامعه از این وضعیت نافع می‌شود. در همین چارچوب، دریافت ارز نباید به‌گونه‌ای باشد که یک شرکت تنها به دلیل وابستگی به گروهی خاص، به منابع ارزی دسترسی داشته باشد، یا آن‌که نرخ ارز برای آن شرکت به دلیل پیوستگی ویژه‌ای که دارد، با سایر شرکتها تفاوت داشته باشد. هر دوی این شرطها در نفس خود عادلانه و عقلایی دیده می‌شوند. به نظر می‌رسد که هویت

جمعی می‌تواند با در نظر گرفتن این اصول، وجود عدالت را تضمین کند.

اگرچه در مثال ذکر شده، دستیابی به عدالت بسیار ساده دیده می‌شود، امر واقع این است که پیروی از اصول عدالت به بینشی نیاز دارد که با نظریه‌های اقتصادی تفاوتی آشکار دارد و گاه بسیار دشوار دیده می‌شود. با وجود این، زمانی که عدالت پذیرفته شود، وجود آزادیهای بنیادین به‌عنوان شرط اساسی پذیرش هویت جمعی، ضامن تداوم توسعه می‌گردد. در این چارچوب تمام سیاستهایی که آزادیهای فردی و عدالت را نادیده می‌گیرند، از فهرست سیاستهای

بهینه‌سازی اقتصاد ملی خارج می‌شوند. یک: ارزش پول ملی باید چنان

باشد که هیچ یک از پنج محور آزادی

را دستخوش نابسامانی و اختلال نسازد.

دو: از آنجا که آزادی را نمی‌توان نادیده گرفت، سیاست ارزش‌گذاری بر پول ملی باید چنان باشد که خواسته‌های هویت‌های فردی را در مورد حفظ قدرت خرید آنها زایل نسازد و هویت جمعی ناشر آن پول یا حکومت و دولت از ارزش پول ملی

بخش چهارم:

الزامات تعیین ارزش پول ملی

در این بخش دیده می‌شود که در جامعه‌ای که توسعه محور است و به اصول توسعه در قالب آزادی اعتقاد دارد، سیاستهای ارزش‌گذاری بر پولی چنان معین می‌شود که تمام تعهدات هویت جمعی در مورد ایجاد رفاه و به‌سازی جامعه برآورده شود.

به عنوان ابزاری در راه تعدیل کارآیی عملکرد خود استفاده نکنند.

سه: سیاست ارزش‌گذاری بر پول ملی باید به اصول مبادله‌ی آزاد پایبند باشد و در هیچ مورد قاعده‌های اصلی مبادلات آزاد را زیر پا نگذارد.

چهار: از آن‌جا که ارزش پول ملی بر اساس یک قرارداد اجتماعی مشخص می‌شود، هویت جمعی به‌عنوان یک وظیفه باید به حفظ ارزش پول ملی بپردازد. در این راستا سیاست‌های اقتصادی باید به‌گونه‌ای باشد که کیفیت زندگی رو به بهبود بگذارد. افت مداوم کیفیت زندگی در جریان ارزش‌گذاری پول ملی، با هر منطق که مورد استفاده‌ی دولتها و حکومتها باشد، قابل دفاع نیست و نمی‌توان انتظار داشت که مردم از آن حمایت کنند.

پنج: در چارچوب نظریه‌ی عدالت، ارزش پول ملی باید به‌گونه‌ای تغییر کند که دو اصل کلی نظریه‌ی عدالت را زیر پا نگذارد. بنابراین امتیازهایی که در زمینه‌ی دسترسی به پولهای خارجی داده می‌شود، باید با نگرشی باشد که به قاعده‌ی عرف منافع جمعی

جامعه را مدنظر قرار دهد و در هر صورت جایگاههای دست‌یابنده به ارزش برای عموم متقاضیان احتمالی قابل ورود باشد.

شش: هر یک از هویت‌های جامعه باید حق داشته باشند که در صورت نارضایتی از سیاست ارزش‌گذاری پول ملی، از امکانات خود برای رسیدن به یک پول مکمل توافقی با کارآیی بیش از کارآیی پول ملی، بهره‌برداری نماید. به بیان دیگر، برخورداری از حق رقابت با مقام پولی برای دستیابی به پولی مکمل که از کارآیی بیشتری نسبت به پول ملی برخوردار باشد، تحت هیچ شرایطی نباید زیر پا گذاشته شود.

تعیین ارزش پول ملی

تعیین ارزش پول ملی را باید از دو جنبه مد نظر قرار داد:

یکم: از دیدگاه عملکرد اقتصادی که در این حالت ارزش پول ملی به‌عنوان حاصل عملکرد اقتصاد کشور در چارچوب اقتصاد جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد به ارزش‌گذاری پول ملی را رویکرد عملی (Positive) می‌گویند. در حالتی که

حکومت اصرار داشته باشد که پول ملی یگانه پول رایج در جامعه باشد و استفاده از پولهای خصوصی و محلی ممنوع شمرده شود، دولت باید وضعی را ایجاد کند که مقام پولی بتواند بدون مداخله‌ی دولت و بر مبنای ارزشهای متکی به عملکرد اقتصاد ملی، ارزش پول ملی را معین نماید.

دوم: از دیدگاه رسالت هویت جمعی که در این حالت ارزش پول ملی به عنوان اصول مورد درخواست هویت‌های فردی مطرح می‌شود. این رویکرد به ارزش‌گذاری پول ملی را رویکرد اصولی (Normative) می‌خوانند. در رویکرد اصولی موضوع بحث آن چه باید باشد است، نه آن چه در واقع رخ داده است. در نهایت، زمانی که توسعه به مفهومی که گفته شد، به وقوع می‌پیوندد، آن چه در عمل اتفاق می‌افتد، همان چیزی است که بر اساس قاعده‌های رفتاری توسعه و عدالت باید محقق می‌شده است. در منظر دیگر، اگر مسیری که مدیریت اقتصادی پیموده، هویت‌های فردی را از دستیابی به خواسته‌های توسعه‌ای آنها دور کرده باشد، می‌توان گفت که هویت جمعی در انجام رسالت خود از کارآیی برخوردار نبوده است.

بدون تردید، ریشه‌یابی دلایل ناکارآیی هویت جمعی موضوعی است که به بررسی و تعمق همه‌جانبه نیاز دارد. این بحث از حوصله‌ی مقاله‌ی حاضر خارج است. با وجود این، به نظر می‌رسد که می‌توان در لابلای قوانین کشورها ریشه‌های تعهد به اصول را ردیابی کرد. کارشناسان مراجع بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول هم در دفاع از ایجاد شفافیت در سیاست‌های پولی و مالی با هدف مطلوب‌سازی عملیات اقتصادی بر مسئولیت‌های گسترده‌ی مقام پولی در هر کشور و لزوم متعهدبودن این مقام به حفظ ارزش پول ملی تأکید دارند. به بیان دیگر، باورهای حاکمیتی هر چه باشد، در نهایت تطابق عملکرد مقام پولی کشور با اصول پذیرفته‌شده‌ی ملی و بین‌المللی، خواسته‌ای است که قانون باید بتواند از آن حمایت نماید.

نکته‌ی ابهامی که در قانون‌های پولی وجود دارد، فقدان ضمانت اجرایی برای رسیدن به هدف توسط مقام پولی است. به بیان دیگر، قانون خود را متعهد به اصول می‌شمرد ولی چارچوبی برای

بخش پنجم:

تعیین ارزش پول ملی در ایران

در این بخش مبحث تعیین ارزش ریال ایران توسط مقام پولی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی نشان می‌دهد که در چارچوب قوانین رایج کشور، حق انتشار پول فقط در اختیار بخش پولی ایران قرار دارد و امکان انتشار پولهای مکمل در کشور وجود ندارد. بررسی رفتارهای مقام پولی نشان می‌دهد که در موارد متعدد ارزش ریال ایران با عنایت به ضوابطی که به قاعده‌ی عرف به بخش پولی ارتباطی نداشته است، مانند تأمین منابع مالی برای بودجه‌های دولت، تضعیف شده است. از سوی دیگر استفاده از سیاستهای تعدیل و توسل به سیاست تعریف‌نشده‌ی منطقی کردن قیمت‌ها سبب شده است که قیمت کالاهای اصلی و اساسی در اقتصاد کشور به شدت افزایش یابد و در این راه هرگز اثر این سیاستگذاری‌ها بر توسعه‌ی انسانی مد نظر قرار نگیرد. در نهایت کارگزاران اقتصادی برای تداوم بقای خود در سایه‌ی ریالی که طی سالهای متمادی یکی از بالاترین افتهای ارزش را در جهان به خود

دستیابی به خواسته‌های اصولی را مشخص نمی‌کند. شاید بتوان گفت که فقدان چارچوب اجرایی برخاسته از این باور بوده است که مقام پولی از راههای مختلف می‌تواند به هدف خود برسد. بنابراین دولتها با دیدگاهی که دارند، روشهای گوناگونی را برای دستیابی به هدف خویش به کار خواهند گرفت. اگرچه این منطق را می‌توان پذیرفت، در نهایت هنوز نبود دستور کاری برای مواقعی که مقام پولی نتواند به هدف خود برسد، سبب شده است که هیچ یک از مسئولان کشور بانک مرکزی را به دلیل تضعیف ارزش پول ملی مورد مؤاخذه قرار ندهند. تنها در مواردی معدود در سطح جهان دیده شده است که مقام پولی با الزام به رسیدن به خواسته‌ای مشخص در زمینه‌ی پولی به کار گمارده شده است. در جهت محدود کردن قدرت مقام پولی، دانش فنی روز به کمک گرفته شده است تا سیستمهای پولی مکمل بتوانند بخشی از وظایف مقام پولی را انجام بدهند و در این راه جایگاه بخش پولی را در اقتصاد ملی بهینه نمایند.

اختصاص داده است، چاره‌ای نداشته‌اند جز آن که با شیوه‌ی موجود در صنعت خود به تولید بپردازند.

نادیده‌گرفتن تحولات دانش فنی زمان در طول سالهای متمادی سبب شده است که اقتصاد کشور توان رقابتی خود را از دست بدهد که حاصل آن، در کنار تمام عوامل، رسیدن به وضعی است که تورم فزاینده اجتناب‌ناپذیر شده است. در شرایطی که دولت بالاترین رقم درآمد نفتی سده‌ی اخیر را طی متجاوز از یک دهه به دست آورده و این روند فزاینده هر سال رکوردی تازه بر درآمد بالای نفت به اقتصاد کشور ارائه کرده است، نه تنها تورم تخفیف نیافته که ارزش پول ملی هم کم و بیش به افت خود ادامه داده است و در تمام این سالها ایران همچنان رکورددار یکی از بالاترین درجه‌های تضعیف ارزش پول ملی خود بوده است.

قابل ذکر است که بررسی شاخص نرخ واقعی مؤثر ارز در ۹۲ کشور در فاصله‌ی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ که در اواخر سال ۲۰۰۷ میلادی توسط صندوق بین‌المللی پول انتشار یافته است، نشان می‌دهد که وقتی شاخصهای نسبی قیمتها ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد، تنها وضعیت کشور گامبیا از ایران بهتر بوده است و در سایر موارد نرخ واقعی تضعیف پول در ایران در این فاصله به مراتب بیش از سایر کشورهای جهان بوده است. این در حالی است که ایران یکی از بالاترین دوره‌های درآمد ارزی نفتی را داشته است و سرانه‌ی درآمد نفت در کشور در یکی از بالاترین رقمهای تاریخ اقتصادی کشور قرار گرفته است. در جدول ارقام مربوط به شاخص واقعی و مؤثر نرخ ارز در کشورهای مختلف جهان آورده شده است. برای سهولت مقایسه، اعداد مربوط به سال ۲۰۰۳ میلادی معادل ۱۰۰ در نظر گرفته شده است و ارقام باقی سالها با عنایت به شاخص عدد سال ۲۰۰۳ معادل ۱۰۰، محاسبه شده است.

جدول (۳): شاخص واقعی مؤثر نرخ ارز در کشورهای مختلف جهان بر پایه‌ی تحولات شاخص قیمت آنها

2003	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
2002	110.51	103.39	110.48	89.34	105.39	108.35	102.60	111.40
2001	119.63	102.72	119.78	85.18	106.63	109.49	103.04	110.95
2000	116.10	100.97	121.12	88.85	103.65	107.60	102.19	112.21
1999	121.77	103.64	118.46	92.80	101.99	105.44	102.64	114.08
1998	131.75	106.40	117.49	92.48	104.51	108.55	106.00	110.72
1997	125.62	102.31	110.19	101.08	98.95	106.06	105.77	105.93
1996	116.39	102.38	111.56	101.63	94.98	99.49	104.23	103.65
1995	114.44	100.73	79.75	93.16	94.46	100.01	100.05	99.44
1994	136.54	104.19	44.07	95.35	97.75	104.98	102.07	102.13
1993	158.90	113.26	n.a.	91.71	101.76	108.77	102.95	107.64
1992	132.01	106.58	n.a.	97.89	99.52	103.49	100.79	108.34
1991	128.51	108.08	n.a.	108.06	96.99	108.95	103.44	109.96
1990	212.76	105.85	n.a.	108.92	93.51	111.87	104.52	105.24
	Algeria	Antigua and Barbuda	Armenia	Australia	Bahamas, The	Bahrain, Kingdom of	Belize	Bolivia

جدول (۳) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
96.20	128.77	96.94	89.98	94.20	106.47	107.02	112.22	115.64	
92.01	150.60	93.60	90.72	86.87	110.12	109.56	114.13	245.59	
87.76	157.18	90.54	93.48	81.12	121.89	105.04	117.81	315.90	
85.10	151.83	99.35	93.01	81.39	122.89	105.00	128.51	422.27	
83.04	183.35	100.70	94.18	82.86	129.00	111.02	141.61	155.52	
71.71	200.34	97.36	100.04	83.39	131.41	105.42	150.90	150.39	
58.54	169.31	98.39	101.04	93.40	122.46	97.91	141.84	150.66	
67.87	163.51	96.96	100.45	91.59	120.06	88.99	134.14	146.80	
59.08	148.51	87.72	103.84	76.23	113.26	79.88	132.29	159.98	
65.68	140.08	131.50	114.16	116.53	110.04	73.62	116.40	218.06	
43.20	142.37	140.88	121.78	124.18	107.51	83.27	109.69	158.32	
n.a.	162.67	139.81	132.59	123.13	101.58	92.64	100.73	162.29	
n.a.	157.03	145.27	128.32	129.45	98.30	103.86	97.29	165.93	
Bulgaria	Burundi	Cameroon	Canada	Central African Republic	Chile	China, P.R.: Mainland	Colombia	Congo, Democratic Republic of	

جدول (٣) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
107.04	93.55	99.44	93.77	101.65	95.20	102.27	132.98	98.03	
109.59	89.94	98.41	90.95	91.11	93.35	103.80	140.19	85.75	
105.47	86.96	94.85	90.08	85.65	92.42	102.50	134.00	61.56	
103.43	92.16	95.30	93.05	84.35	96.54	102.00	127.85	68.15	
106.01	93.01	100.06	94.91	85.90	96.95	102.65	130.12	92.24	
103.90	87.00	97.95	91.72	78.85	95.46	102.19	132.35	90.80	
102.65	88.92	98.58	93.42	77.98	98.83	101.84	127.81	87.47	
102.73	88.94	99.60	94.49	73.18	99.95	103.12	125.78	88.91	
100.77	77.35	97.26	93.47	70.77	95.88	109.49	122.28	90.32	
101.60	125.69	82.39	91.23	67.38	96.36	113.52	117.46	84.29	
98.46	127.46	63.93	91.03	58.01	96.00	110.40	112.62	72.07	
93.02	122.05	n.a.	88.47	55.39	94.90	109.22	111.80	71.76	
99.94	125.77	n.a.	87.70	58.79	96.92	106.96	110.32	67.36	
Costa Rica	Côte d'Ivoire	Croatia	Cyprus	Czech Republic	Denmark	Dominica	Dominican Republic	Ecuador	

جدول (۳) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
85.51	88.81	96.92	95.58	95.44	94.94	95.03	93.94
78.20	85.08	96.14	94.09	93.99	93.41	94.10	91.13
74.39	84.20	96.01	93.54	93.58	93.77	94.13	90.05
80.16	94.93	99.21	97.83	98.47	99.18	101.12	96.65
83.94	98.58	100.97	99.51	99.34	102.15	104.44	96.90
79.02	97.17	101.45	99.72	98.92	101.96	104.40	99.88
85.59	107.78	106.02	106.22	103.71	107.42	110.99	100.27
86.00	108.88	108.72	109.13	109.02	107.99	115.51	96.19
72.19	103.67	104.76	105.34	100.00	105.19	110.59	93.07
101.81	104.32	104.08	103.66	93.94	105.45	110.29	92.03
96.54	109.89	101.37	103.64	110.24	104.27	105.82	91.46
100.65	104.81	99.54	102.64	127.47	102.70	100.85	88.68
108.76	108.34	97.97	101.81	131.84	104.45	111.78	85.99
Equatorial Guinea	Euro Area	Austria	Belgium	Finland	France	Germany	Greece

جدول (۳) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
90.82	94.19	96.54	94.39	95.74	95.40	93.66	95.45
86.00	91.96	95.38	91.17	93.46	93.26	93.37	95.56
83.13	90.72	94.87	88.45	91.27	91.60	92.92	95.47
87.08	95.56	96.89	93.09	93.68	93.76	95.24	101.36
90.44	96.82	98.01	94.16	94.20	94.36	95.03	106.29
93.54	96.48	98.46	92.87	93.83	94.00	111.63	105.61
93.97	97.14	103.21	98.55	95.69	98.52	108.25	107.47
92.39	87.63	106.44	100.85	94.88	96.56	108.22	109.05
91.81	94.02	104.47	96.77	92.17	94.92	110.32	98.68
91.56	96.89	103.54	96.10	93.32	99.53	110.89	146.42
98.72	114.78	103.27	94.51	96.09	111.66	106.60	150.98
96.20	116.55	102.89	92.87	88.65	112.11	106.09	167.25
98.08	113.99	100.54	92.15	82.15	109.41	102.74	195.24
Ireland	Italy	Luxembourg	Netherlands	Portugal	Spain	Fiji	Gabon

جدول (٣) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
138.26	99.34	104.37	103.70	97.81	94.04	101.04	105.57	
167.67	100.16	106.16	102.58	88.38	88.54	93.12	116.86	
192.89	99.54	105.59	102.35	82.26	101.16	80.37	117.89	
201.90	153.24	103.35	97.95	81.51	98.53	73.40	112.05	
206.85	153.81	103.47	108.69	79.73	97.39	88.58	117.69	
207.81	142.81	102.99	109.62	80.28	94.28	78.58	120.97	
201.43	135.78	102.42	104.27	76.57	92.86	64.01	115.71	
204.88	124.71	102.26	99.96	74.76	92.79	52.76	110.73	
211.47	108.35	105.83	98.15	77.76	93.10	65.94	109.84	
227.80	134.78	105.87	91.47	78.60	99.09	78.38	108.67	
210.52	153.47	100.32	90.51	72.25	106.92	102.89	110.01	
206.03	173.72	101.18	82.40	66.55	106.55	187.19	112.87	
214.31	168.52	101.62	96.33	59.16	103.18	204.42	109.95	
Gambia, The	Ghana	Grenada	Guyana	Hungary	Iceland	Iran, I.R. of	Israel	

جدول (۳) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
99.19	69.46	98.19	136.04	105.84	96.37	105.87	101.03
106.46	76.86	98.47	130.33	105.71	93.54	111.86	101.36
119.56	89.14	100.04	124.46	100.80	92.17	107.44	105.72
113.30	96.26	98.44	122.97	99.52	94.86	92.92	103.60
101.99	102.70	98.32	120.87	98.64	96.25	121.83	103.53
102.02	111.76	106.55	159.49	123.62	91.86	125.48	100.76
108.46	111.59	121.60	153.17	127.98	90.88	109.00	101.09
129.36	123.63	132.81	107.34	123.64	91.36	108.10	100.61
127.28	123.53	122.42	122.97	123.45	89.85	126.15	97.46
121.26	130.26	117.77	173.21	128.39	88.37	n.a.	94.44
102.75	130.03	134.04	169.70	127.08	93.38	n.a.	91.84
99.65	120.92	n.a.	183.65	118.88	96.88	n.a.	91.34
92.38	111.78	n.a.	169.33	121.69	97.57	n.a.	89.43
Japan	Lesotho	Macedonia , FYR	Malawi	Malaysia	Malta	Moldova	Morocco

جدول (٣) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
98.32	88.13	106.20	105.74	101.20	103.25	89.97	107.21
89.17	80.63	110.56	105.88	93.26	99.66	96.20	120.65
90.40	82.16	109.61	95.28	90.14	108.94	102.91	124.27
86.77	90.55	106.19	94.14	92.39	108.39	94.10	127.87
90.62	94.65	108.38	186.83	92.82	116.29	103.49	124.47
97.66	108.26	106.03	164.23	95.28	118.52	117.46	136.46
105.21	106.11	108.97	144.10	94.83	116.88	117.17	132.81
130.90	99.80	111.99	117.12	95.48	120.63	109.58	128.60
136.69	94.30	121.94	138.15	92.78	121.41	128.99	127.21
139.09	89.01	130.33	74.58	94.79	124.19	136.39	121.56
135.07	85.76	128.53	68.08	98.78	124.63	130.35	119.97
140.69	95.59	111.56	82.07	98.53	126.43	130.29	123.41
139.85	99.44	60.20	95.65	100.71	127.87	125.53	109.27
Netherlands Antilles	New Zealand	Nicaragua	Nigeria	Norway	Pakistan	Papua New Guinea	Paraguay

جدول (٣) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
108.00	112.22	103.27	97.07	104.17	105.10	107.92	102.13
107.30	117.05	102.48	94.45	104.68	108.14	110.16	96.60
112.24	103.84	100.94	78.55	103.49	103.27	109.44	94.06
128.09	94.57	89.88	71.17	101.77	99.22	108.63	98.20
121.04	96.94	104.79	103.66	100.09	97.38	108.80	104.60
144.47	91.79	80.84	117.31	96.97	95.11	107.06	105.21
146.09	88.87	68.39	109.81	89.97	95.96	106.14	99.19
135.17	81.98	76.23	88.85	90.08	96.85	103.10	95.97
131.59	75.80	78.13	78.66	92.11	98.09	108.97	105.41
124.38	75.22	72.82	n.a.	93.10	98.27	111.36	98.88
125.69	70.11	52.79	n.a.	90.55	94.49	104.11	100.84
113.54	66.02	83.68	n.a.	91.77	94.27	105.94	97.49
113.37	41.51	90.39	n.a.	91.79	91.69	103.54	105.85
Philippines	Poland	Romania	Russian Federation	St. Kitts and Nevis	St. Lucia	St. Vincent & Grens.	Samoa

جدول (٣) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
109.32	121.69	103.77	88.24	114.83	75.91	93.92	99.85
112.45	140.83	106.52	85.82	138.47	90.05	91.47	96.37
110.47	128.78	106.02	84.00	127.39	102.74	99.84	93.96
109.44	139.60	106.23	76.57	119.86	106.84	102.34	96.60
114.67	118.91	113.98	78.65	118.20	112.77	105.28	98.43
109.26	139.61	116.79	77.50	121.56	121.90	108.91	97.32
104.58	122.53	115.49	73.32	112.26	115.59	115.42	105.90
102.82	121.99	112.56	72.17	105.80	125.89	107.09	109.24
106.22	135.05	110.73	70.26	108.11	129.52	107.36	102.56
110.77	118.13	106.68	69.55	130.88	135.31	109.01	98.01
107.27	106.09	105.80	65.76	129.76	137.88	132.71	95.85
113.56	116.35	103.81	64.86	131.23	133.46	132.54	97.53
112.43	114.03	99.95	65.90	127.39	125.98	124.84	95.64
Saudi Arabia	Sierra Leone	Singapore	Slovak Republic	Solomon Islands	South Africa	Sweden	Switzerland

جدول (٣) : ادامه

100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00	100.00
96.55	101.77	105.38	114.21	108.96	102.72	106.81	128.44	
93.35	99.26	105.93	119.06	113.14	101.87	107.07	144.65	
91.29	94.03	108.79	122.16	101.75	104.11	101.35	145.83	
94.98	91.97	110.38	129.25	103.24	101.33	98.15	147.30	
99.75	90.46	109.24	141.38	131.01	101.64	99.11	140.29	
95.16	87.11	109.03	159.27	143.51	95.50	92.53	137.92	
94.52	89.08	109.39	151.28	121.23	82.03	88.33	133.28	
92.30	88.62	109.22	150.59	101.14	80.63	86.40	132.28	
79.60	90.84	107.03	153.98	86.39	83.64	89.39	127.97	
116.22	97.48	106.19	123.81	61.35	83.48	90.54	118.54	
121.52	107.91	110.28	115.93	140.87	93.20	87.56	99.71	
119.81	105.64	108.02	124.94	n.a.	96.63	89.57	92.77	
125.21	104.84	104.21	168.57	n.a.	93.35	90.04	80.85	
Togo	Trinidad and Tobago	Tunisia	Uganda	Ukraine	United Kingdom	United States	Uruguay	

جدول (۳) : ادامه

100.00	100.00
115.40	109.11
147.03	110.19
138.10	98.37
132.43	97.54
116.10	97.09
94.29	102.59
74.24	88.60
89.38	82.08
71.38	85.72
74.30	89.13
70.80	78.50
68.10	81.87
62.96	87.01
Venezuela, Rep. Bol.	Zambia

تلاش برای رسیدن به وضعیتی قابل دوام از هر نوع مصرف کالای بادوام تا حد امکان پرهیز می‌نمایند.

برای اصلاح این وضع لازم است دانش فنی در تمام فعالیت‌های اصلی اقتصاد کشور به سطحی ارتقاء یابد که بتواند فعالیت‌های مورد بحث را رقابتی کند و از افزایش مداوم قیمت در این بخشها جلوگیری نماید. این کار به سیاست پولی توانمندی نیاز دارد که از یک سو به افزایش اعتبار پول ملی بسیار پایبند باشد و از سوی دیگر دسترسی ارزان به دانش فنی رایج جهان را با قدرت خرید موجود در جامعه سازگار سازد. با فرض نبود موانع تاکتیکی و با پذیرش امکان تجارت آزاد، پیوندیابی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی باید بر مبنای روابطی منطقی‌تر شکل

در چنین وضعی اقتصاد کشور در مرز ناکفایتی کامل در بخش واقعی قرار گرفته که بازدهی عملیات در حدی کمتر از ۳۰ درصد استانداردهای رایج جهان قرار دارد و بازدهی تولید در تمام زمینه‌ها در سطحی است که با دنیای بزرگ توان رقابت ندارد. نمونه‌ی مشخص آن وضعیت نابه‌نجار تولید بنزین در کشور است در حالی که به‌قاعده‌ی عرف صنعت نفت کشور صنعت پیشتاز اقتصاد ملی باید باشد. مدیریت در بخش انرژی در وضعیت کنونی نشانه‌ی بارزی از عملکرد غیررقابتی اقتصاد ملی است. وضعیت مشابهی در بیشتر فعالیت‌های کلیدی اقتصاد ملی مشهود است. در کنار این وضع، قدرت خرید عامه‌ی مردم بسیار زایل شده است و خانوارهای کشور در

بگیرد که سیاست پولی در ایجاد این وضع می‌تواند نقش اساسی را بازی کند. در بررسی وضعیت محیطی کشور، مشاهده می‌شود که در شرایط کنونی ورود دانش فنی روز جهان در تمام رشته‌های فعالیتی به کشور ممنوع، یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، محدود شده است. به بیان دیگر، در حال حاضر مسأله‌ی اقتصاد کشور این نیست که توان پولی خرید دانش فنی را ندارد بلکه این است که به صورت فیزیکی نمی‌تواند به دانش فنی روز جهان دست یابد. مادام که این معضل وجود دارد، بخش پولی به صورت تاکتیکی از اصلاح ساخت اقتصاد ملی و تسهیل توسعه محروم می‌شود. بنابراین سیاست‌هایی که در وضعیت نبود ممنوعیت تاکتیکی می‌توانند به اصلاح ساخت اقتصاد منجر شوند، در شرایط کنونی تنها به گسترش فرار سرمایه و افزایش کسری بودجه‌ی دولت منجر می‌شود و تأثیری در زمینه‌ی بهبود قدرت خرید خانوارها نخواهد داشت.

مبانی قانونی تعیین ارزش پول ملی

در ایران

در قانون پولی و بانکی ایران، مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ و اصلاحات بعد از آن تاریخ، در بند ب از ماده‌ی ۱۰ آورده شده است که هدف بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است. در کنار این هدف، موضوعهایی مانند برقراری تراز در پرداختهای خارجی، تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور مطرح می‌شود. در مورد ایران هم در قانون هیچ ضمانتی برای حسن عملکرد بانک مرکزی وجود ندارد و هیچ نکته‌ای هم وجود ندارد که نشان دهد چه وضعیتی، عملکرد خلاف هدف خوانده می‌شود.

در حالت کلی، برای اصلاح ساخت اقتصاد لازم است تمام زمینه‌های فعال‌سازی اثرهای سیاست ارزش‌گذاری بر پول ملی مورد بررسی قرار گیرد و در

بنابراین در قانون پولی ایران، مانند کشورهای دیگر، ضمانتی برای دستیابی به هدف حفظ ارزش پول ملی وجود ندارد. این ابهام در عمل مشکلات خاص خود را به بار می‌آورد.

در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۲ همین هدفها با دامنه‌ی شمول گسترده‌تر به چشم می‌خورد. در این قانون گفته شده است که نظام پولی و اعتباری کشور باید بر مبنای حق و عدل عمل کند (ماده‌ی ۱). اگر چه در این قانون معنایی برای دو عبارت حق و عدل بیان نشده است، به نظر می‌رسد که پیوند بین هویت جمعی با هویت‌های فردی در قانون عملیات بانکی بدون ربا بیش از حدی باشد که در قانون پولی و بانکی وجود داشته است. در هر صورت، در قانون عملیات بانکی بدون ربا هم ضمانت اجرایی برای رسیدن به هدفها و مبانی اجرای تعهدات مشخص نیست. بنابراین هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که بر اساس آن بتوان عملکرد مقام پولی را به عنوان بخشی از هویت جمعی ارزیابی کرد.

به‌طور خلاصه، مکانیسم‌های عملی ارزش‌گذاری بر پول ملی در کنار خاستگاه‌های برخاسته از ضابطه‌های

پیوند بین هویت‌های فردی و هویت جمعی، باید چنان عمل کنند که در نهایت انحرافی در عملکرد نسبت به اصول پدیدار نگردد. در حالتی که عملکرد با اصول مغایرت داشته باشد، هویت جمعی از وظیفه‌ی قانونی خود تخطی کرده است. به بیان دیگر، در این حالت، هویت جمعی در وضعیتی قرار گرفته است که با دستور کار قانونی خود سازگاری ندارد و رسالتی را که بر عهده گرفته است، به درستی انجام نداده است. از آن‌جا که در چنین حالتی هویت جمعی آزادی‌های قانونی هویت‌های فردی را به ترتیبی نادیده گرفته است، هویت‌های فردی حق دارند در رأی اعتماد خویش نسبت به هویت جمعی تجدیدنظر کنند.

اگر دیدگاهی که جایگاه ارزش پول ملی را در آزادی اقتصادی با روشنی و شفافیت نشان می‌دهد، برای مقامات ملی شناخته شده نباشد، اهمیت الزام به رعایت اصول در زمینه‌ی پولی آن‌سان که باید، جدی گرفته نمی‌شود. در نتیجه، مسئولیتی که برای مقام پولی باید وجود داشته باشد، هرگز در اقتصاد محور قرار نمی‌گیرد. در چنین چارچوبی، مقام پولی می‌تواند بدون آن که در مقابل هویت

جمعی مسئولیت داشته باشد، حفظ ارزش پول ملی را از محوریت بیندازد. به این ترتیب دیده می‌شود که شناخت دقیق دیدگاهی که مورد پذیرش مقام پولی و حکومت باشد، محوری‌ترین موضوعی است که باید به آن پرداخته شود.

سیاست‌های پولی و روند ارزش ریال ایران

برای حفظ ارزش پول ملی اجرای سیاست‌های پولی برازننده، ضرورت دارد. بنابراین، برای شناخت دلایل تحول ارزش ریال لازم است سیاست‌های پولی کشور بررسی شود. از آن جا که اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی وابسته است و تحولات این درآمدها در بیشتر مواقع برای مسئولان پیش‌بینی نشده باقی می‌ماند، لازم است روند تغییرات درآمدهای نفتی شناسایی شود. بیشتر اقتصاددانانی که در مورد اقتصاد نفتی ایران سخن می‌گویند، این نکته را مطرح می‌کنند که اقتصاد ایران باید به عارضه‌ی هلندی (Dutch Disease) مبتلا باشد و بر این اساس توصیه می‌کنند که ارزش ریال باید

تضعیف شود زیرا اگر اقتصاد به این عارضه مبتلا باشد، ارزش پول ملی زیادتر از نرخ واقعی آن خواهد بود. نظر به این که از یک سو اسناد و مدارک موجود نشان داده است که ایران در واقع طی یک دوره‌ی درازمدت بالاترین میزان تضعیف را تجربه کرده است و از سوی دیگر هیچ گزارشی تحقیقی، وجود عارضه‌ی هلندی را در ایران به اثبات نرسانیده است، گزارشی حاضر تضعیف بیشتر ارزش ریال با توسل به امکان وجود این عارضه را مردود می‌شمرد. شواهد موجود نشان می‌دهد که اثبات وجود عارضه‌ی هلندی در ایران بعید است. با عنایت به روند تحولات قیمت نفت، بررسی نشان می‌دهد که در سالهای مختلف، درآمدهای نفتی کشور بسیار تغییر کرده است. امر واقع این است که نوسان درآمدهای نفتی تأثیر گسترده‌ای بر روند متغیرهای اقتصادی کشور داشته است. برای مشاهده‌ی تحولات، دوره‌ی دراز مدت ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۵ در نظر گرفته شده است (جدول شماره‌ی ۴).

جدول (۴): برخی روندهای اصلی در اقتصاد کشور

82.22	76.09	40.38	ارزش تولید به قیمت جاری به دلار در مقابل هر دلار صادرات نفتی به دلار آمریکا
48.69	44.24	25.63	محصول ناخالص داخلی به قیمت جاری به دلار آمریکا
3.14	3.14	13.07	نسبت صادرات غیر نفتی به صادرات نفتی به درصد
218.29	205.78	533.83	ارزش تولید واقعی دلاری در مقابل هر دلار صادرات نفتی به دلار آمریکا
4,119.35	3,811.75	2,593.33	محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت به دلار آمریکا به میلیارد دلار
1	1	1	ضریب تعدیل
68.2	67.5	67.9	نرخ تبدیل دلار آمریکا به ریال
592.2	581.5	634.7	صادرات غیر نفتی به میلیون دلار آمریکا
18,871.00	18,523.00	4,858.00	صادرات نفتی به میلیون دلار آمریکا
280,939.80	257,293.29	176,087.23	محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ به میلیارد ریال
3,320.78	2,986.48	1,740.18	محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار به قیمت جاری به میلیارد ریال
1354	1353	1352	

جدول (۴) : ادامه

1355	1356	1357	1358	1359	1360	1361
4,472.81	5,228.79	4,961.71	6,128.05	6,470.63	7,802.74	10,263.52
322,573.74	318,458.98	269,690.75	275,656.45	216,035.16	202,208.63	226,277.74
20,488.00	20,713.00	17,867.00	19,316.00	11,607.00	12,456.00	20,050.00
539.6	625.2	542.8	811.8	645.2	339.5	283.7
70.5	70.6	70.5	70.5	71.4	79.8	84.4
1	1	1.1	1.3	1.5	1.6	1.7
4,575.51	4,510.75	3,477.64	3,007.71	2,017.14	1,583.71	1,577.07
223.33	217.77	194.64	155.71	173.79	127.14	78.66
2.63	3.02	3.04	4.20	5.56	2.73	1.41
63.44	74.06	63.98	66.86	60.42	61.11	71.53
117.58	118.46	117.87	82.36	93.64	180.00	252.14

جدول (۴) : ادامه

1362	1363	1364	1365	1366	1367	1368
12,835.76	14,056.42	14,929.98	15,185.57	18,480.67	20,671.47	25,760.59
249,503.23	237,835.89	237,296.17	199,400.81	226,230.99	174,367.40	190,441.64
20,457.00	16,663.00	13,986.00	5,982.00	9,189.00	9,673.00	12,037.00
356.6	361.1	465	915.5	1,160.80	1,035.80	1,044.00
87.2	91.7	88.1	76.8	70.1	69.2	600
1.8	1.9	2	3	3.5	5	1
1,589.60	1,365.07	1,346.74	865.45	922.07	503.95	317.40
77.70	81.92	96.29	144.68	100.35	52.10	26.37
1.74	2.17	3.32	15.30	12.63	10.71	8.67
81.78	80.68	84.73	65.91	75.32	59.74	42.93
229.32	223.42	182.22	71.99	64.89	57.68	41.12

جدول (۴) : ادامه

1369	1370	1371	1372	1373	1374	1375
35,280.41	49,869.66	66,601.10	98,657.13	128,297.73	184,582.37	246,698.91
221,632.00	242,613.40	250,192.67	282,540.22	271,647.74	274,695.81	292,306.63
17,993.00	16,012.00	16,880.00	14,333.00	14,603.00	15,103.00	19,271.00
1,312.00	2,649.00	2,988.00	3,747.00	4,831.00	3,257.00	3,106.00
750	950	1,000.00	1,646.30	1,749.00	2,896.70	3,007.50
1	1	1	1	1	1	1
295.51	255.38	250.19	171.62	155.32	94.83	97.19
16.42	15.95	14.82	11.97	10.64	6.28	5.04
7.29	16.54	17.70	26.14	33.08	21.57	16.12
47.04	52.49	66.60	59.93	73.35	63.72	82.03
35.85	19.82	22.29	15.99	15.18	19.56	26.41

جدول (۴) : ادامه

1376	1377	1378	1379	1380	1381	1382
292,186.78	329,513.85	436,093.01	580,750.57	673,191.00	910,545.00	1,087,761.00
292,186.84	282,066.48	308,759.99	323,093.89	336,070.14	371,041.32	399,702.97
15,471.00	9,933.00	17,089.00	26,400.00	19,339.00	22,966.00	27,355.00
2,876.00	3,013.00	3,362.00	3,859.00	4,565.00	5,271.00	6,636.00
3,007.50	5,395.40	7,906.90	8,077.65	7,921.52	7,958.05	8,323.00
1	1	1	1	1	1	1
97.15	52.28	39.05	40.00	42.42	46.62	48.02
6.28	5.26	2.29	1.52	2.19	2.03	1.76
18.59	30.33	19.67	14.62	23.61	22.95	24.26
97.15	61.07	55.15	71.90	84.98	114.42	130.69
33.78	20.27	16.40	18.63	18.62	21.71	19.69

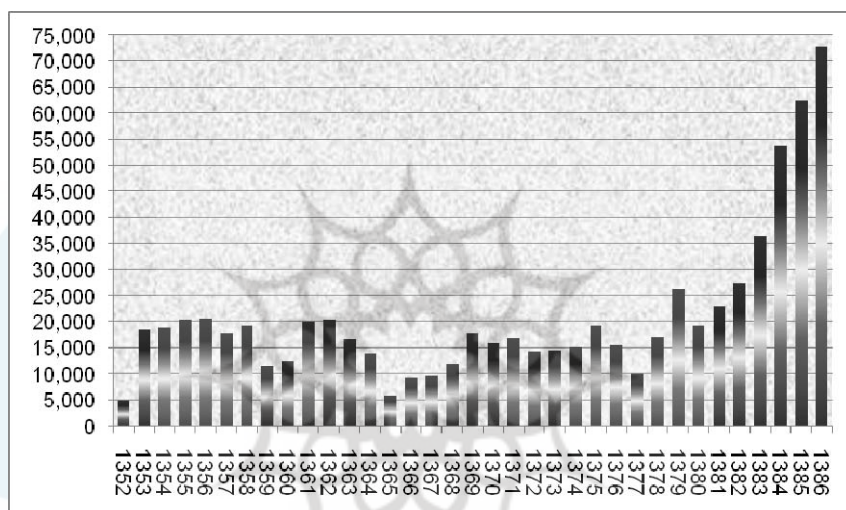
جدول (۴) : ادامه

1383	1384	1385	1386
1,381,095.00	1,665,822.63	2,011,150.40	
436,170.00	466,550.95	495,149.54	
36,315.00	53,820.00	62,458.00	36,417.00
7,537.00	10,546.00	13,079.00	7,274.00
8,747.00	9,042.00	9,226.00	9,275.33
1	1	1	1
49.87	51.60	53.67	0
1.37	0.96	0.86	-
20.75	19.59	20.94	19.97
157.89	184.23	217.99	-
20.95	17.47	16.67	-

درآمدهای نفتی کشور در این دوره از ۴/۹ میلیارد دلار (سال ۱۳۵۲) تا ۶۲/۵ میلیارد دلار (سال ۱۳۸۵) تغییر کرده است. رقم درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز در سال ۱۳۸۶ بیش از رقم سال ۱۳۸۵ است و باید به مرز ۷۳ میلیارد دلار برسد. در فاصله‌ی این دوره درآمدهای نفتی پنج و نیم قوس با عمق متفاوت را طی کرده است (نمودار شماره‌ی ۲).

درآمد حاصل از صادرات نفت از سال ۱۳۸۰ تا زمان حاضر سیر صعودی جدی یافته است به طوری که درآمدهای نفتی کشور با هیچ یک از زمانهای گذشته قابل مقایسه نبوده است. وقتی در نظر گرفته شود که جمعیت کشور در سال ۱۳۸۶ کمتر از ۷۱ میلیون نفر بوده است، به سادگی می‌توان دید که درآمد نفت سرانه به مرز هزار دلار در سال رسیده

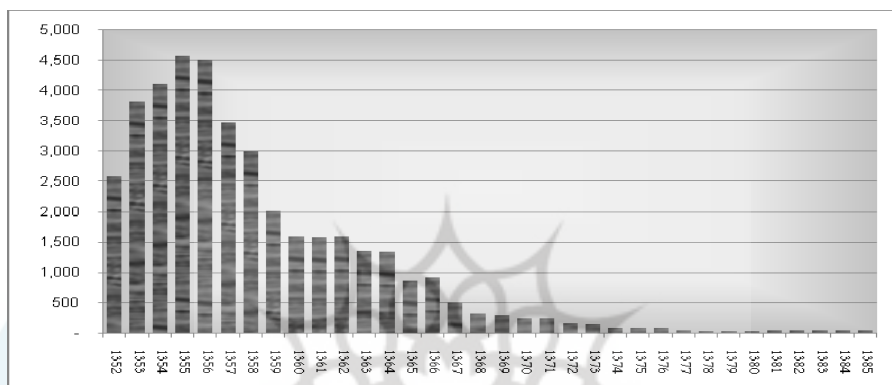
است. این رقم از هر نظر بی‌سابقه دیده می‌شود.
نمودار (۲): روند درآمد صادرات نفت



افزوده‌ی بخش نفت هم در محاسبات محصول ناخالص ملی درج شده است و به قاعده‌ی عرف بالا رفتن ابعاد بخش نفت به نوبه‌ی خود به بالا رفتن رقم ارزش افزوده‌ی این بخش انجامیده است. این در حالی است که در نمودار کل رقم محصول ناخالص داخلی مد نظر قرار گرفته و بخش نفت و اثر آن از محاسبات خارج نشده است.

نگاهی به روند ارزش واقعی تولید به دلار آمریکا در طول دوره‌ی بررسی نشان می‌دهد که روند این درآمد از نقطه‌ی اوج خود در سال ۱۳۵۵ به پایین‌ترین حد خود در سال ۱۳۷۸ رسیده است. افزایش محدود رقم، با وجود رشد فزاینده‌ی درآمدهای نفتی نشان‌دهنده‌ی ناتوانی اقتصاد در جذب منابع ارزی برای دستیابی به توسعه بوده است. (نمودار شماره‌ی ۳). قابل ذکر است که ارزش

نمودار (۳) : روند محصول ناخالص داخلی واقعی دلاری



دیگر، حتی اگر محصول ناخالص داخلی بر مبنای محاسبات برابری قدرت خرید ملاک قرار گیرد، افت قدرت خرید همچنان مشهود و قابل ملاحظه باقی می ماند. کاهش پیگیر و مداوم قدرت خرید عامه‌ی مردم روندی خلاف منطق عدالت است و در این چارچوب اگر سیاستهای اعمال شده از منظر عدالت و توسعه با مفهوم ذکر شده مورد ارزیابی قرار بگیرد، منطق اعمال این سیاستها بسیار مورد تردید قرار خواهد گرفت.

مقایسه‌ی روند محصول ناخالص داخلی واقعی دلاری تولید شده در مقابل هر دلار صادرات نفت نشان می دهد که درآمدزایی ارزهای نفتی در طول سالها روند نزولی داشته است. از این دیدگاه

نمودار نشان می دهد که روند کلی قدرت خرید اقتصاد ایران حتی بدون در نظر گرفتن سیر افزایشی جمعیت که سرانه‌ی قدرت خرید را به نیمی از این رقم کاهش می دهد، روندی نزولی بوده است. این موضوعی است که هویت جمعی باید در برابر آن واکنش نشان دهد و مقام پولی باید توجیهی قابل دفاع برای آن داشته باشد. اگرچه ممکن است گفته شود که روند کلی قیمت کالاها و خدمات در داخل با روند دلار تغییر نکرده است، امر واقع این است که تعدیلی با هر مرتبه، بر روند مشهود هنوز نمی تواند وضعی را ایجاد کند که افت مداوم قدرت خرید در طول این سالها را محو سازد یا روند نزولی را به سیر صعودی مبدل نماید. به بیان

مدیریت کلان کشور ناکارایی مشهودی داشته است که با سرعت گسترده شده است. در طول دوره به طور متوسط، از هر دلار صادرات نفت ۸۲ دلار و ۷۶ سنت تولید واقعی حاصل شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۸۵ در مقابل هر دلار صادرات نفتی، درآمد تولیدشده در کشور در مرز ۸۶ سنت محدود شده است. متوسط این رقم برای دوره‌ی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ معادل دو دلار و ۴۵ سنت بوده است. به سادگی می‌توان دید که در دوره‌های اخیر درآمد حاصل‌شده از هر دلار صادرات نفتی به مراتب پایینتر از دوره‌های گذشته بوده است. به عبارت دیگر، هرچه به زمان حاضر نزدیکتر می‌شویم، عملکرد مدیریت اقتصادی کشور ناکارآمدتر می‌شود و قدرت درآمدزایی اقتصاد کشور از هر دلار ارز صادرات نفت محدودتر از گذشته می‌شود.

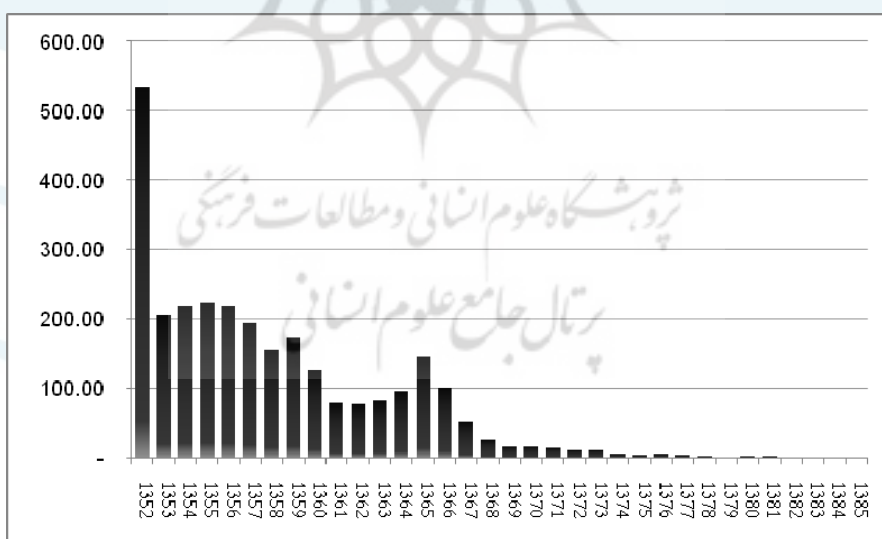
تولید ارزش در داخل اقتصاد کشور به لزوم به معنای صادرات بیشتر نیست و افزوده‌ی ایجادشده می‌تواند در داخل کشور به مصرف رسیده باشد. به عبارت دیگر وقتی در نظر گرفته می‌شود که ارزش ایجادشده نزولی بوده است، نمی‌توان حتی افزایش صادرات غیرنفتی را

توجیهی مناسب برای وضعیت افت قدرت خرید عامه‌ی مردم دانست زیرا در نهایت وضع موجود چنین تعریف می‌شود که قدرت ایجاد ارزش در اقتصاد سیر نزولی یافته است ولی بخش بزرگتری از ارزش ایجادشده به خارج از کشور ارسال شده است. در نهایت این نکته مطرح می‌شود که اگر ارزهای غیرنفتی هم به ارزهای نفتی افزوده شود، توان اقتصاد در ایجاد ارزش به ازای هر واحد دلار اکتسابی به مراتب محدودتر شده است. در واقع با چنین وضعی کارآیی برنامه‌های کلان اقتصاد به مراتب بیش از پیش مورد تردید قرار می‌گیرد. در این وضعیت حتی منطق مطلوبیت صادرات مورد تردید قرار می‌گیرد.

تحلیل حاضر، به دلیل ماهیت اصولی خود، تنها می‌تواند این نکته را نشان دهد که آن چه رخ داده است، در واقع آن چه باید رخ می‌داده، نبوده است. به عبارت دیگر، ابزارهایی که برای مدیریت کلان کشور به کار گرفته شده است، در جهت حفظ منافع ملی و برآورده کردن رسالت هویت جمعی نبوده است یا آن که هدفهایی که اقتصاد برای خود معین کرده است، به واقع بر اساس اصول عدالت، منافع

جمعی را تضمین نمی کرده است. تصویر روند محصول ناخالص داخلی واقعی دلاری تولیدشده در مقابل هر دلار آمریکا در نمودار شماره ۴ در زیر آورده شده است. در نمودار به خوبی دیده می شود که روابط تولیدی در اقتصاد ملی نتوانسته است چنان بهبود یابد که در طول زمان قدرت تولید درآمد از هر دلار نفتی را حتی در سطحی ثابت نگاه دارد. افت جدی این روند نشان می دهد که چرا فقر در جامعه تشدید شده است. وقتی در نظر گرفته می شود که در سالهای اخیر استفاده از مکانیزم حساب ذخیره ای ارزی هم دست کم از منظر قانونی، می توانسته در جهت افزایش ثبات و بهبود کارایی اقتصاد ملی مورد استفاده قرار بگیرد، افت کارایی اقتصادی ملی به مراتب نگران کننده تر دیده می شود.

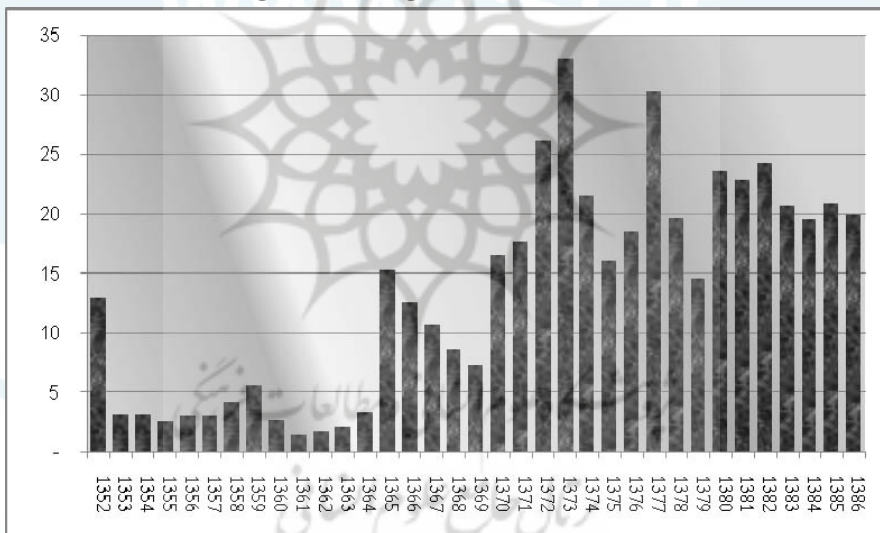
نمودار (۴) : روند محصول ناخالص داخلی واقعی دلاری تولیدشده در مقابل هر دلار صادرات نفتی



از آن جا که تک محصولی بودن اقتصاد کشور در هر صورت می تواند عامل بی ثباتی باشد، باید دید که تا چه اندازه این روند نابرابر را می توان به نوسانهای درآمدهای صادرات نفت نسبت داد. طی دوره ای ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۵ به طور متوسط نسبت صادرات غیرنفتی به صادرات نفتی کشور معادل است. رقم متوسط سالانه

نسبت صادرات نفتی به صادرات غیرنفتی
برای دوره‌ی ۱۳۵۲ تا پایان نیمه‌ی
نخست سال ۱۳۸۶ معادل ۱۳/۴۴ درصد
بوده است. به نظر می‌رسد که با وجود
تأکید بر توسعه‌ی صادرات غیرنفتی، هنوز
روند صادرات غیرنفتی به حد مطلوب
نرسیده است. در نمودار شماره‌ی ۵ روند
صادرات غیرنفتی نسبت به صادرات نفتی
مشاهده می‌شود.

نمودار (۵): روند نسبت صادرات غیرنفتی به صادرات نفتی کشور به درصد



اقتصاد ایران بتواند مولد درآمدهای اضافی
جدید حاصل از صادرات غیرنفتی باشد.
این در حالی است که افت ارزش ریال
ایران همچنان ادامه داشته است. با این
اوصاف می‌توان نتیجه گرفت که
کشش پذیری صادرات غیرنفتی کشور
نسبت به ارزش دلار آمریکا به اندازه‌ای
نیست که مقامات اقتصادی تصور

در این راستا دیده می‌شود که تداوم
افزایش درآمدهای حاصل از صادرات نفت
نتوانسته است به افزایش نسبت صادرات
غیرنفتی به صادرات نفتی منجر شود و در
نتیجه این نسبت در سالهای اخیر روند
نزولی یافته است. به بیان دیگر، توان
صادراتی کشور در وضعیت محدود شدن
قرارگرفته است و انتظار نمی‌رود که

ارزیابی سیاستهای ارزی در چارچوب محورهای توسعه ای

بررسی نشان داده است که تضعیف ارزش ریال به شکلی بوده که دست کم مهم ترین خواسته‌ی مقامات را که توسعه‌ی صادرات غیرنفتی باشد، برآورده نکرده است. اکنون این پرسش مطرح می شود که آیا سیاست با ضوابطی که مشروعیت هويت جمعی به آنها بستگی دارد، سازگاری داشته است؟ برای این بررسی باید به پنج ویژگی ذکر شده پرداخت.

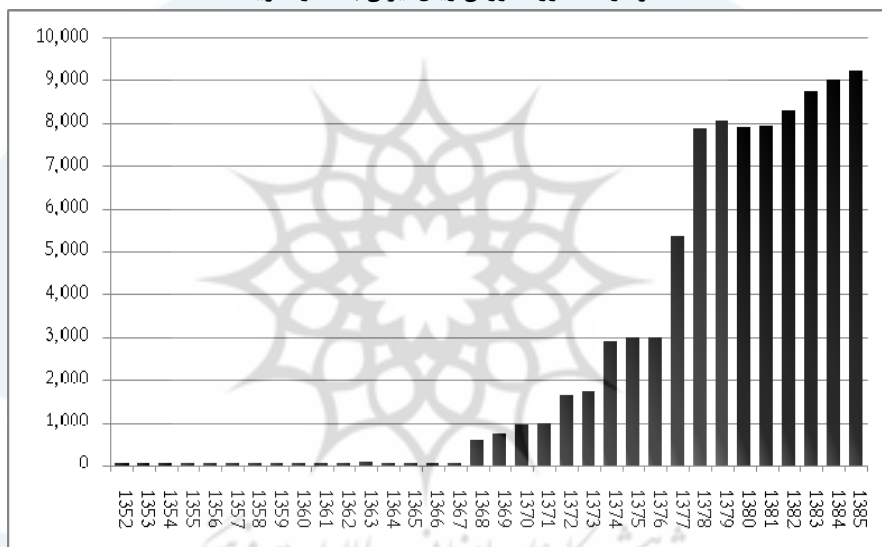
در مورد مخدوش نکردن خواسته‌های محورهای توسعه، به سادگی می توان دید که روند تحولات ریال ایران به گونه‌ای بوده است که قدرت خرید مردم و تسهیلاتی که می توانسته‌اند برای خود فراهم کنند، پیوسته و به شکلی فزاینده زایل شده است. این روند درازمدت را نمی توان خواسته‌ی هویت‌های فردی محسوب کرد زیرا تحول مورد بحث در واقع از سال ۱۳۶۸ تا به امروز ادامه داشته است. این دوره‌ی ۱۸ ساله به اندازه‌ی کافی طولانی است که بتوان آن را درازمدت خواند. در این دوره ریال ایران به شدت در برابر دلار آمریکا

می کنند. به نظر می رسد که اجرای سیاستهای دیگری برای اصلاح ساخت اقتصاد کشور ضرورت داشته باشد. در هر صورت تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی کوتاه مدت تر از وضعیتی است که مسئولان اقتصادی باور دارند.

از این مجموعه نتیجه می شود که اصلاح ساخت اقتصاد کشور برای تقویت توان تولید و افزایش صادرات غیرنفتی ضروری است. محورهای اصلاح ساخت با تأکید بر بهبود فنی فرآیند و جریان تولید از یک سو و دانش فنی تولید از سوی دیگر، باید همراه شود. نادیده گرفتن این مهم طی سالها سبب شده است که اقتصاد ایران به مرزهایی برسد که پایداری آن مورد تردید قرار بگیرد. بروز این وضعیت در نقطه‌ی اوج درآمدهای نفتی کشور به خوبی نشان می دهد که مدیریت کلان باید الزامات ساختاری مطلوب را بازنگری کند و برای رسیدن به وضعیت برتر به اصلاح ساخت توسل بجوید.

تضعیف شده است. تداوم تضعیف ارزش گروههای دارای درآمد ثابت داشته است. پول ملی آثار گسترده‌ای بر قدرت خرید

نمودار (۶) : روند ارزش ریال ایران به دلار آمریکا



گذاری دستوری بر دلار و تقویت مداوم آن انبوهی از افزونه را به وجود آورد. در این وضعیت، مسئولان برنامه‌ریزی کشور با اشاره به قیمت‌های بین‌المللی چند مورد از این عدم تعادلها، خود مدعی پرداخت یارانه در اقتصاد کشور شده‌اند بدون آن که بدانند این افزونه تنها یک بخش از مجموعه‌ای است که در اثر نرخ دستوری ارز ایجاد شده است و در واقع چیزی

مسأله‌ی دیگری که باید به آن توجه شود این است که تحولات ارزش ریال باید به اصول مبادله‌ی آزاد متکی می‌شده است. ظرف مدتی که ریال روند تضعیفی خود را پیموده است، مقام پولی کشور هرگز نتوانسته است که یک نرخ واحد و به نسبت باثبات برابری برای پول ایران در مقابل پولهای بین‌المللی داشته باشد. فقدان مکانیسم‌هایی که اصول بازار آزاد را رعایت کند، سبب شده است که ارزش

به نام یارانه از سوی دولت به جامعه تزریق نمی‌شود. در مورد اثر این روند ارزش ریال بر کیفیت زندگی، به دلیل فقدان آمارهای نشان‌دهنده‌ی این کیفیت، تنها می‌توان به نمایه‌های بیرونی آن اشاره کرد. بالارفتن شدت آلودگی، فرسودگی وسایل بادوام مصرفی خانوارها، کهنگی شبکه‌های ارتباطی و موارد مشابه آن تنها نمونه‌هایی از وضعیتی است که کیفیت زندگی را کاهش می‌دهد. بسیاری از وسایلی که خانوارهای متوسط کشور، حتی در پردرآمدترین شهرهای کشور، از آن استفاده می‌کنند، در واقع نسبت به وسایل مشابه جهان آن‌قدر دورافتاده است که نمی‌توان مدعی شد مردمی که در ایران از آن وسایل استفاده می‌کنند، از همان رفاهی برخوردارند که هم‌تایان آنها در نقاط دیگر جهان. از سوی دیگر، پایین آمدن مقدار فیزیکی مصرف کالاهای خوراکی ضروری زندگی در بودجه‌ی خانوارهای کشور نشانه‌ای از محدودشدن توان خانوارها است زیرا در حالت طبیعی مصرف این اقلام در شمار الزامات بهزیستی است. به نظر می‌رسد که خانوارها در تلاش برای ترازسازی بودجه‌ی خود چاره‌ای جز کاهش مصرف اقلام اساسی پیش روی خود نداشته‌اند. این نمونه‌های پراکنده همه نشانه‌هایی از وضعیتی است که کیفیت زندگی در جامعه رو به وخامت نهاده است.

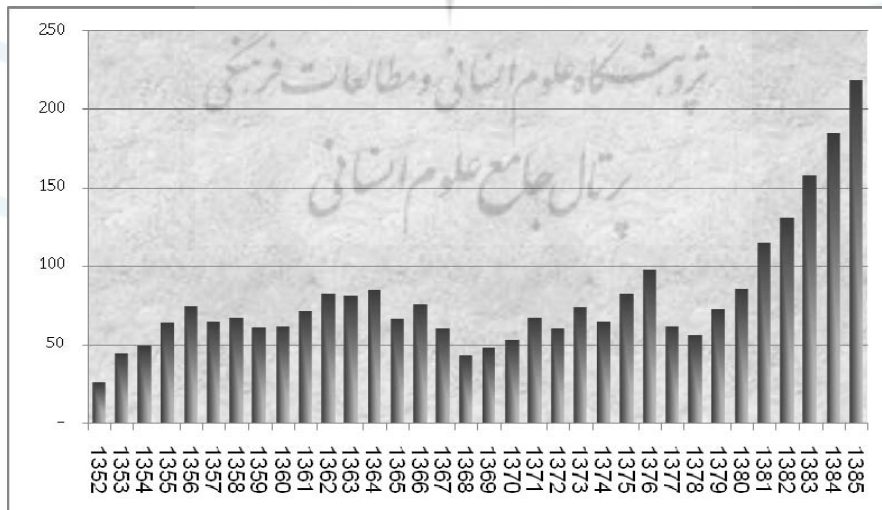
در مورد نقض نکردن اصول آزادی هم تنها می‌توان به ذکر این نکته اشاره کرد که طی سالها تخصیص دستوری و فاقد روال شفاف و قابل ارزیابی، مقام پولی وضعیتی را به وجود آورده است که جمعیتی از مبادلات ارزی بسیار نافع شده‌اند و نشانه‌ی ملموسی هم از بر حق بودن این جماعت وجود ندارد. مقام پولی کشور حتی امروز اطلاعات قابل ارزیابی از تخصیص ارز به بخشهای مختلف اقتصاد طی سالهای گذشته‌ی به نسبت دور را ارائه نمی‌دهد. بنابراین حتی نمی‌توان فهمید که در سالهای دهه‌ی ۱۳۷۰ هر یک از بخشهای اقتصادی چه مقدار ارز و با چه نرخهایی دریافت کرده‌اند یا آن که ارزهای دریافتی خود را به چه نوع سرمایه‌گذاری و خریدهایی اختصاص داده‌اند یا آن که حاصل این عملکردها چه بوده است. این فقدان شفافیت به‌وضوح نشان می‌دهد که تخصیص ارز تا چه اندازه می‌تواند نابسامان بوده باشد. هیچ

گزارشی وجود ندارد که نشان دهد هر یک از بخشهای اقتصادی کشور به چه میزان ارز نیاز دارند و چگونه آن را تأمین می کنند.

با این اوصاف، وضعیتی که مقام پولی ایجاد نموده است، در چارچوب نظریه توسعه‌ی پایدار جایگاهی ندارد و هویت‌های فردی نمی‌توانند با عقل سلیم از آن با عنوان رفتاری در چارچوب رسالتهای هویت جمعی یاد کنند. به نظر می‌رسد که طی سالها هویت جمعی با ایجاد توهم

پولی توانسته باشد تصویری به نسبت قابل پذیرش برای هویت‌های فردی به وجود آورد. برای دیدن این تصویر کافی است که روند ارزش دلاری محصول ناخالص داخلی کشور به قیمتهای جاری مد نظر قرار بگیرد. بررسی این روند نشان می‌دهد که ارزش تولید کشور با گذر از یک مسیر قوسی در سال ۱۳۷۹ در سطحی اندکی پایینتر از سطح سال ۱۳۵۶ قرار گرفته است. (نمودار شماره ۷).

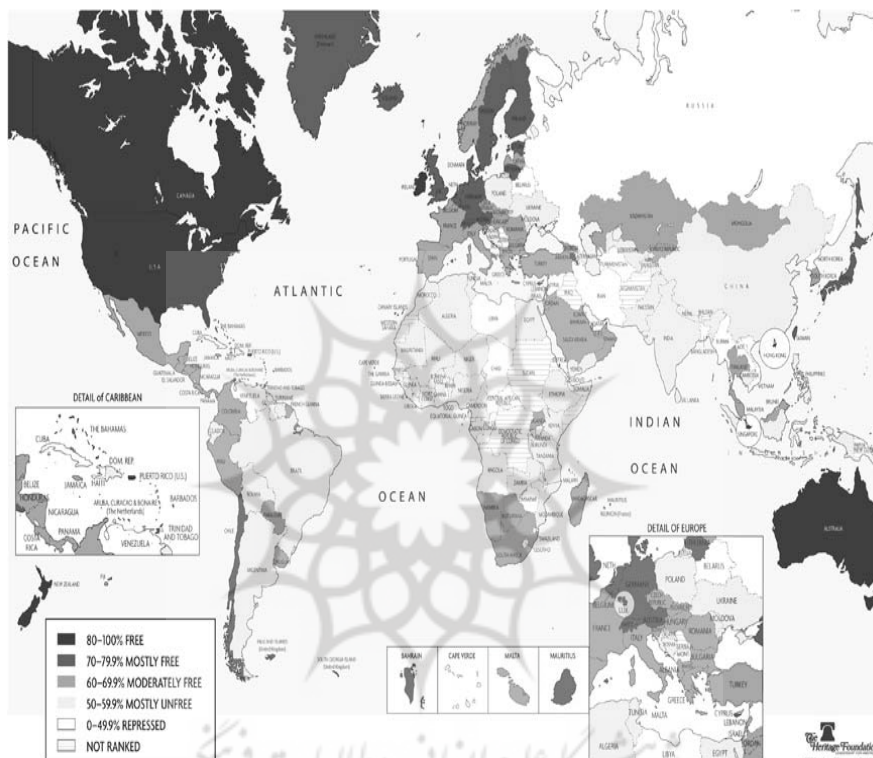
نمودار (۷) : روند محصول ناخالص داخلی به قیمت جاری به دلار آمریکا



به‌طور خلاصه، محدود شدن توان هویت جمعی در ایجاد توهم پولی سبب شده است که توجه به جایگاه حفظ قدرت خرید در هویت‌های فردی افزوده شود. بنابراین، آنچه در واقع یکی از مفاد پیمان بین هویت جمعی و هویت‌های فردی به شمار می‌آید، به شکل شفاف‌تری مورد توجه قرار بگیرد.

شاید هنوز راه درازی برای تحلیل وضعیت از دیدگاه توسعه به‌معنای آزادی باقی باشد. در این دیدگاه ارزش پول ملی رسالتی چند- بعدی دارد که در نظریه‌ی کلاسیک وجود ندارد. تحلیل درجه‌ی محروم شدن (Deprivation) هویت‌های فردی از آزادی‌های برحق آنها و در نهایت شدت از دست رفتن فرصت‌های توسعه‌ای هنوز به صورت یک الزام باقی می‌ماند. شاید در این زمینه تنها بتوان به ذکر آمارهایی از روند آزادی اقتصادی ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان بسنده کرد. در حالی که در سال ۱۹۷۰ مرتبه‌ی ایران در بین ۵۴ کشور، مرتبه‌ی سی‌وچهارم، در سال ۱۹۷۵ در بین ۸۳ کشور، مرتبه‌ی بیست‌وپنجم بود، در

سالهای ۱۹۸۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، و ۱۹۹۷ مرتبه‌ی ایران به ترتیب بین ۹۷، ۱۰۷، ۹۸، و ۸۹ از ۱۱۵، ۱۱۲، ۱۲۲، و ۹۹ کشور تغییر کرده است. در آغاز سال ۲۰۰۸ میلادی هم مرتبه‌ی ایران به رتبه‌ی یک صد و پنجاه و یکم (۱۵۱) افت کرده است. در وضعیت اخیر ایران در منطقه بین هفده کشور در مرتبه‌ی ۱۶ قرار گرفته است. همه‌ی این روندها نشان می‌دهد که مقام پولی کشور و هویت جمعی باید برای این سیر تحول در اقتصاد کشور پاسخی ویژه ارائه نمایند. روند رو به وخامت جایگاه ایران در وضعی رخ داده است که درآمدهای ارزی کشور سیری صعودی داشته است. در نمودار شماره‌ی ۸ در زیر، تصویر شاخص آزادی اقتصادی در کشورهای مختلف جهان مشاهده می‌شود. جایگاه ایران در این تصویر مشخص شده است. هر قدر رنگ یک کشور یا منطقه تیره‌تر باشد، درجه‌ی آزادی اقتصادی در آن جا بیشتر است. در نمودار ایران در پایینترین مرتبه‌ها قرار گرفته است.



گرفته که توان ارزآوری آن بسیار محدود شده است و در این وضعیت نیاز به اصلاح ساخت اقتصاد کشور بسیار ملموس و مشهود شده است. نتیجه‌ی منطقی از ارزیابی حاضر این است که تغییر در سیاست ارزش‌گذاری بر ریال ایران و بازگشت به وضعیتی که رابطه‌ی بین قدرت خرید و تلاش برای زندگی در گروه‌های مختلف مردم شکلی منطقی‌تر

ارزیابی سیاست تضعیف ارزش ریال
ایران
تصویری که از ارزیابی سیاست تضعیف ایران و پیگیری این سیاست برای حدود دو دهه حاصل می‌شود این است که مهمترین دستاورد این سیاست و عملکردهای وابسته به آن کاهش توان رقابت اقتصاد ملی بوده است. ارقام نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در مرزی قرار

داشته باشد، می‌تواند بسیار مطلوب باشد. بررسیها نشان داده است که جهت‌گیری اصلاح ساخت، باید تقویت توان فنی کشور باشد تا از این راه هم درآمد مردم افزایش داده شود و هم توان رقابت اقتصاد ملی سیر صعودی بییماید. از این منظر تغییر در سیاست ارزش‌گذاری بر ریال ایران مطلوب دیده می‌شود.

ارزیابی وضعیت محیطی در اقتصاد ایران

برای‌گزینش سیاستهای مطلوب اقتصادی لازم است وضعیت محیطی اقتصاد کشور هم به دقت بررسی شود. نگاهی به محیط اقتصادی ایران نشان می‌دهد که این کشور در آستانه‌ی سومین تحریم سازمان ملل قرار دارد که بدون تردید کمترین محدوده‌ی اثرگذاری آن بر اقتصاد کشور، محدودشدن از دسترسی به دانش فنی رایج جهان است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت انتظار می‌رود که اگر ایران بتواند بخشی از این دانش فنی را به دست آورد، هزینه‌ای که باید بابت خرید آن در بازارهای سیاه جهانی بپردازد به قدری زیاد است که در واقع برگردانیدن قدرت خرید به پول ملی هرگز

آن را جبران نخواهد کرد. در هر صورت گستردگی نیاز ایران هم موضوعی نیست که بتواند دستیابی به نیازها را از بازار سیاه جهانی امکان‌پذیر سازد. با این اوصاف اقتصاد کشور در وضعیت کنونی با یک محدودیت گسترده‌ی تاکتیکی برای رسیدن به دانش فنی مورد نیاز خود مواجه است که نمی‌توان آن را با تغییر در قدرت خرید پول ملی برطرف کرد.

موضوع مهمی که در این مرحله مطرح می‌شود این است که اگر ریال تقویت شود، چه دستاوردهایی می‌تواند برای اقتصاد کشور داشته باشد. برای مشاهده‌ی تأثیرهای احتمالی لازم است بودجه‌ی دولت به عنوان بزرگترین اثرپذیر بررسی شود. در لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۸۷ بیش از نیمی از درآمدهای کشور از تبدیل ارزهای حاصل از فروش نفت به دست می‌آید. با این اوصاف به‌سادگی می‌توان دید که هر ۱۰ درصد کاهش در قیمت دلار آمریکا باید رقمی در حد ۵ درصد از درآمدهای بودجه بکاهد. در این صورت بودجه‌ی دولت با یک کسری بزرگ مواجه می‌شود که دولت به احتمال زیاد چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد و شاید ناگزیر باید هرچه بیشتر از حساب ذخیره‌ی ارزی

برداشت کند. در وضعیت تورمی اقتصاد مجموعه‌ی موجود، مشکلات اقتصادی را ایران، افزوده‌شدن کسری بودجه بر بسیار سنگینتر خواهد ساخت.

جدول (۵): خلاصه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۸۷ کل کشور

(رقم به میلیون ریال)

مصارف		منابع	
۴۱۲,۵۲۴,۵۹۸	هزینه‌ها	۳۳۶,۶۶۳,۱۴۹	درآمدها
۳۰,۰۰۰,۰۰۰	واریات بزرگ و گاروبیل		
۲۴۱,۴۰۷,۸۱۸	تسلک داراییهای سرمایه‌ای	۱۷۳,۱۹۳,۸۰۰	واگذاری داراییهای سرمایه‌ای
۳۶,۴۰۸,۹۶۴	تسلک داراییهای مالی	۲۱۰,۴۸۴,۴۳۱	واگذاری داراییهای مالی
۷۲۰,۳۴۱,۳۸۰	جمع مصارف عمومی دولت	۷۲۰,۳۴۱,۳۸۰	جمع منابع عمومی دولت
۷۲,۵۲۲,۴۴۱	از محل درآمدهای اختصاصی دولت	۷۲,۵۲۲,۴۴۱	درآمدهای اختصاصی دولت
۷۹۲,۸۷۳,۸۱۱	مصارف بودجه عمومی دولت	۷۹۲,۸۷۳,۸۱۱	منابع بودجه عمومی دولت
۲۰,۶۸۸,۰۳۲,۲۲۰	مصارف شرکتیهای دولتی، مؤسسات انتظامی وابسته به دولت و بانکها	۲۰,۶۸۸,۰۳۲,۲۲۰	منابع شرکتیهای دولتی، مؤسسات انتظامی وابسته به دولت و بانکها
۲,۸۶۱,۶۷۷,۰۳۱	جمع	۲,۸۶۱,۶۷۷,۰۳۱	جمع
۶۹,۴۱۵,۰۳۸	کسری بودجه آرقانی که دوبار منظور شده است	۶۹,۴۱۵,۰۳۸	کسری بودجه آرقانی که دوبار منظور شده است
۲,۷۹۲,۲۶۱,۹۹۳	مصارف بودجه کل کشور	۲,۷۹۲,۲۶۱,۹۹۳	منابع بودجه کل کشور

انبوهی از نیروی انسانی جویای کار پر شود، در نهایت این جابه‌جایی می‌تواند به تضعیف ساخت نیروی انسانی کشور منجر شود زیرا دست کم بخشی از نیروهای پرتجربه‌تر با نیروهای کم‌تجربه‌تر جایگزین می‌شود.

واردکنندگان کالاهای مصرفی هم در جریان تقویت ارزش پول ملی در وضعیت حاضر می‌توانند بهره‌مند شوند و مقادیری از واردات مصرفی به داخل کشور سرازیر می‌شود. وجود تحریمها سبب می‌شود که

مورد دیگر از گروههایی اثرپذیر در جریان تقویت ریال بدون اصلاح ساخت، گروههایی هستند که در انتظار فرصت برای خروج سرمایه نشسته‌اند. این گروه شامل متخصصان و مالکان واحدهای مسکونی می‌شوند. ارزان شدن ارز موجی از خروج سرمایه را به همراه خواهد داشت. نکته‌ی مهمتر این است که خروج سرمایه‌ی مادی با خروج سرمایه‌ی انسانی همراه می‌شود که اثری درازمدت‌تر بر افت توان کشور باقی خواهد گذاشت. اگرچه ممکن است جای خالی متخصصان با

شرکای تجاری این واردات کشورهای معدودی باشند.

در کنار این وضع صاحبان صنایع که در وضعیت حاضر با سختی در برابر خطر ورشکستگی مقاومت می‌کنند، به عنوان گروههای آسیب پذیر بخش تولید، قدرت رقابت خود را باز هم محدودتر می‌بینند. این وضع می‌تواند به بیکاری دامن بزند و آسایش عمومی را هرچه بیشتر مختل سازد. نگرانی از بیکاری خود عاملی برای کوچک شدن تقاضا برای خرید کالاهایی می‌شود که بخش صنعت کشور تولید می‌کنند.

بدون تردید نحوه‌ی مدیریت ارزی در جریان تقویت ریال موضوع بسیار بااهمیتی است که باید به دقت به آن پرداخته شود. به نظر نمی‌رسد که بدنه‌ی مدیریتی کشور ابعاد این وضع را بتواند شناسایی کند. بنابراین خطر کاسته شدن جدی ذخایر ارزی هم به‌عنوان یک تهدید اصلی می‌تواند مطرح شود.

سخن نهایی

بررسی حاضر نخست مباحث مربوط به پول و ایجاد شبکه‌ی پولی کارآمد مکمل را که در جهان امروز شکل گرفته

است، مطرح می‌کند تا نشان دهد که وجود یک شبکه‌ی پولی کارآمد و هوشمند می‌تواند در توسعه‌ی ملی نقشی مثبت و پایدار داشته باشد. سپس با عنایت به نگرشی اصولی، پیوند بین آزادی، توسعه‌ی اقتصادی و عدالت اجتماعی را مطالعه نموده و تبلور این مجموعه را بر ماهیت کیفیت زندگی و ارزش پول ملی به معرض نمایش گذاشته است. در مرحله‌ی بعد مقاله به ارزیابی حاصل عملکرد اقتصاد ایران در مورد ارزش پول ملی و قدرت خرید واقعی در اقتصاد ملی می‌پردازد و گریز از اصول پیوند بین هویت‌های فردی و هویت جمعی را نشان می‌دهد.

نگرش کاربردی به اقتصاد ایران سبب شده است که به ندرت مبانی فلسفی و بینشی مورد تحلیل قرار بگیرد. در این چارچوب، بسیاری از رفتارهایی که حتی در قوانین کشور می‌توان ریشه‌های آنها را مشخص کرد، در عمل از مبانی نخستین خود به دور افتاده‌اند. بنابراین، امروز کمتر کسی به دلایل و شالوده‌های تدوین نظریه‌های اقتصادی و رفتارهای سیاستی می‌پردازد.

ارزش پول ملی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاخصه‌های نمایش خواسته‌های هویت‌های فردی از هویت جمعی، در تحلیل حاضر در چارچوب تعهدات مندرج در قرارداد اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته است. اگر چه بررسی بسیار کلان و کلی است، آن چه در نهایت مقاله به آن می‌پردازد این است که گریز از محورهای پیمان بین دو هویت با توسل به ایجاد توهم پولی صورت پذیرفته است و با کاهش امکان ایجاد توهم پولی، دست کم به دلیل بالا رفتن درآمدهای نفتی، دوری هویت جمعی از اصول پیوند با هویت‌های فردی آشکارتر و ملموس‌تر گشته است. مبنای فکری این تحقیق پذیرش نظریه‌ی عدالت رالز و شناخت پیوند بین این نظریه و توسعه‌ی پایدار بوده است. چنین نگرشی با اصول مورد توافق هواداران نظریه‌ی مطلوبیت تفاوت دارد، ولی وجهت علمی آن انکارناپذیر است. با این اوصاف، اگر توسعه‌ی پایدار به عنوان یک راهبرد مدنظر قرار بگیرد، پابندی هویت جمعی به ایجاد زمینه‌های آزادی پیوند یافته با توسعه الزامی می‌شود. در چنین چارچوبی، اجتناب از آن چه اصول

مطرح می‌نماید، در واقع وجهت خود را از دست می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که نیاز به ایجاد ضابطه‌های اجرای اصول توسط هویت جمعی می‌تواند در بین هویت‌های فردی بسیار پسندیده باشد. در بررسی نشان داده شده است که طی سالها استفاده‌ی نادرست از ابزار ارزش‌گذاری بر پول ملی سبب زایل شدن حقوق جامعه شده است ولی برگشت این مسیر بدون عنایت به وضعیت کلی اقتصاد ایران می‌تواند خطرات اضافی جدیدی را به اقتصاد کشور و جامعه تحمیل کند. مهمترین خطر این است که به دلایل تاکتیکی دستیابی به دانش فنی در زمان حاضر ناممکن است و مادام که این ممنوعیت برطرف نشود، تلاش برای برگشت‌دادن سیاست‌های گذشته تنها به ضایعات اضافی منجر خواهد شد. بدیهی است که برطرف کردن خردمندانه‌ی مانع کنونی می‌تواند فرصتی طلایی برای توسعه‌ی اقتصاد ملی فراهم آورد.

محور اصلی بحث در مقاله‌ی حاضر، به رسمیت شناختن اصول جامعه‌ی مدنی و ارتباط انکارناپذیر بین هویت‌های فردی و هویت جمعی است. هویت جمعی وظیفه دارد که محیط را برای عملکرد بهینه‌ی

این مکانیسمها فراهم آورد. اگر چنین زمینه‌ای فراهم نشود، حاصل کار از دست رفتن فرصتهای توسعه‌ای است.

افت مداوم ارزش پول ملی یکی از نشانه‌هایی است که تداوم ناکارایی را در عملکرد کلان اقتصاد کشور به معرض نمایش می‌گذارد هر چند که برگشت دادن ضایعات حاصل از این افت هم به چارچوبهای رفتاری خاص خود نیاز دارد. در نگرش اصولی، چنین وضعیتی اعتبار دولت را در مقام هویت جمعی مورد تردید قرار می‌دهد زیرا نمی‌توان تصور کرد که هویت‌های فردی با اراده‌ی آزاد، خواهان وضعیتی باشند که هر روز بیش از گذشته، قدرت خرید آنها را زایل نماید. در تقابل بین دستاوردهای اصول و عملی، لزوم به رسمیت شناختن اصول بسیار آشکار می‌شود. حفظ اصول به معنای پیوند اجتماعی است و در چنین چارچوب فراگیری است که توسعه‌ی پایدار به عنوان بینشی متکی به سه سرمایه‌ی مادی، انسانی و طبیعی، معنا می‌یابد. در چنین وضعیتی نهادهای خصوصی و هویت‌های جمعی واسطه‌ای هم‌قادر خواهند بود با ایجاد شبکه‌های مالی

فهرست منابع

در مورد فهرست مطالب لازم به ذکر است که در مواردی که اطلاعات از روی شبکه‌ی اینترنت به دست آمده و تاریخ ندارد، قسمت تاریخ نوشته‌ها خالی باقی مانده است ولی با ارائه‌ی پیوند به آدرس محل نگاهداری اطلاعات در شبکه‌ی تارنمای جهانی تلاش شده است که دسترسی به اطلاعات برای خوانندگان امکان‌پذیر باشد.

1. Anderlini, Luca, Dino Gerardi and Roger Lagunoff. (2004). The Folk Theorem in Dynastic Repeated Games, Cowles Foundation Discussion Papers 1490, Cowles Foundation, Yale University, revised.
2. Anderlini, Luca, Dino Gerardi and Roger Lagunoff. (2004). The Folk Theorem in Dynastic Repeated Games, Levine's Bibliography 12224700000000577, UCLA Department of Economics, revised.
3. Anderlini, Luca, Dino Gerardi and Roger Lagunoff. (2004). The Folk Theorem in Dynastic Repeated Games, Game Theory

9. Dowd, Kevin (ed). (1992). The Experience of Free Banking. Routledge. London.
10. Greco, Thomas New Money for Healthy Communities
11. Guilherme, Carmona. (2002). Social Norms and Monetary Trading, FEUNL Working Paper Series wp418, Universidade Nova de Lisboa, Faculdade de Economia. Other versions:
12. Guilherme, Carmona. (2004). Social Norms and Monetary Trading, Macroeconomics 0402030, EconWPA, revised.
13. Hayek, Friedrich A. Denationalisation of Money — The Argument Refined, third edition, Hobart Paper (Special) 70, Institute of Economic Affairs, London, 1990.
14. Hayek, F. A.; (1960); The constitution of Liberty; Routledge and Kagan Paul Ltd.
15. Hellwig, Christian. (2002). Money, Intermediaries, and Cash-in-Advance Constraints (February 2003), UCLA Economics Online Papers 207, UCLA Department of Economics, revised.
16. Heritage Foundation. (2008). Index of Economic Freedom and Information 0410001, EconWPA.
4. Anderlini, Luca, Dino Gerardi and Roger Lagunoff. (2007). A 'Super Folk Theorem' in Dynastic Repeated Games, Levine's Bibliography 32130700000000926, UCLA Department of Economics, revised.
5. Anderlini, Luca, (Georgetown University), Dino Gerardi (Yale University), Roger Lagunoff (Georgetown U. The Folk Theorem in Dynastic Repeated Games, Working Papers gueconwpa~04-04-09, Georgetown University, Department of Economics, revised.
6. Boyle, David. (). Funny Money Brouillet, Carol. (). The Difference Between Money and Wealth: Creating Community Currencies
7. Clark, Antoine. (). Currency Competition: Some Options Considered, <http://www.libertarian.co.uk/lapubs/econn/econn059.pdf>
8. Clarke, Antoine. (1992). The Micropolitics of Free Market Money: A Proposal, Economic Notes 39, Libertarian Alliance, London. Community Economics. Debt Money Digital Cash and Monetary Freedom by Jon W. Matonis

27. Menner, Martin. (2005). A Search-Theoretic Monetary Business Cycle Model With Capital Formation, Economics Working Papers we056634, Universidad Carlos III, Departamento de Economía, revised.
28. Menner, Martin. (2006). "A Search-Theoretic Monetary Business Cycle Model with Capital Formation," Contributions to Macroeconomics, Berkeley Electronic Press, vol. 6(1), pages 1384-1384.
29. Menner, Martin. (2006). Monetary Propagation In Search-Theoretic Monetary Models, Economics Working Papers. we066426, Universidad Carlos III, Departamento de Economía, revised.
30. Rawls, J.; (1971); A Theory of Justice; Harvard University Press.
31. Rousseau, J. J. (1958); The Social Contract: Discourses; Translated with introduction by G. D. H. Cole; London; J. M. Dent & Sons.
32. Schreft, Stacey L. (2000). Private Money, Settlement and Discount: A Comment, April, RWP 00-01, Research
17. Hiromitsu, I.; (1975). Trends in Allocation of Public Expenditure in Light of Human Resource Development: Overview of Japan; mimeograph; Asian Development Bank; Manila.
18. http://en.wikipedia.org/wiki/Private_currency
19. http://en.wikipedia.org/wiki/Local_currency
20. http://everything2.com/index.pl?node_id=887415
21. <http://www.transaction.net>
22. <http://www.e-gold.com>
23. <http://www.scribd.com/doc/27020/Fiat-currency-Wikipedia-the-free-encyclopedia>
24. IMF; (2000); Supporting Documents to the Code of Good Practices on Transparency in Monetary and Financial Policies; August 3.
25. Learning About Community Currencies and a related list of community currency links
25. Lietaer, Bernard (1997). Internet Currencies for Virtual Communities; <http://www.transaction.net/money/internet>
26. Meeker-Lowry, Susan. (). The Potential of Local Currency. Z magazine
26. Local Monetary Reform - Do It Yourself!

36. Economic Freedom of the World, 2000; Annual Report.
The Social Credit School of Studies
The Virtual Library on Microcredit
van Gelder, Sarah. (). Beyond Greed and Scarcity: An Interview with Bernard Lietaer
37. What You Can Do to Build a New Economy
Woolsey, W. William (). Full Privatization of Currency in a Nearly Conventional Money and Banking System.
38. <http://www.cato.org/pubs/journal/cj11n1/cj11n1-6.pdf>
Rupert, Peter, Martin Schindler, Andrei Shevchenko and Randall Wright. (2000). The search-theoretic approach to monetary economics: a primer, Economic Review, Federal Reserve Bank of Cleveland, issue Q IV, pages 10-28.
39. Schreft, Stacey L. (2000). Private money, settlement, and discount : a comment, Research Working Paper RWP 00-01, Federal Reserve Bank of Kansas City.
40. Schreft, Stacey L. (2001). Private money, settlement, and discount A comment, Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy, Elsevier, vol. 54(1), pages 109-115, June.
33. Sen, A. (1999). Development as Freedom; Random House Inc.
Stokes, Ken. (1999). Kauaian currency. October 20, 1999 column, images of the 5-Coconut note.
34. Smedley, Iain. (1980). The history of free banking in Scotland, in Smedley et al., Banking on the Future, Adam Smith Institute, London 1993.
Solomon, Eric. Assistant Secretary (Tax Policy), U.S. Department of the Treasury; Kevin M. Brown, Acting Commissioner, Internal Revenue Service; and Donald L. Korb, Chief Counsel, Internal Revenue Service; Joint Statement, 2007- 2008 Priority Guidance Plan; Department of Treasury; Washington, DC 20220; August 13, 2007
35. Solomon, Lewis D. (). Local Currencies: a Legal and Policy Analysis was published in the Kansas Journal of Law and Public Policy, 5:2. The Asset-Based Community Development Institute The E. F. Schumacher Society's local currency page
The Frazer Institute. (2000).

- Cohn Campbell and William B. Dougan. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1986.
51. Hayek, F. A. The Denationalization of Money: The Argument Refined. Hobart Paper 70. London: Institute of Economic Affairs, 1978.
52. Hoover, Kevin D. "Money, Prices, and Finance in the New Monetary Economics." Oxford Economic Papers 40 (1988): 150—67.
53. Horwitz, Steven. "Competitive Currencies, Legal Restrictions, and the Origins of the Fed: Some Evidence from the Panic of 1907." Southern Economic Journal 56 (January 1990): 639—49.
54. Kaufman, George C. "Bank Runs: Causes, Benefits, and Costs." Cato Journal 7 (Winter 1988): 559—87.
55. Karaken, John A., and Wallace, Neil. "Deposit Insurance and Bank Regulation: A Partial Equilibrium Exposition." Journal of Business 51 (July 1978): 413—52.
56. King, Robert G. "On the Economics of Private Money." Journal of Monetary Economics 12 (May 1983): 127—58.
57. Klein, Benjamin. "The Competitive Supply of Money." Journal of Money, Credit, and Banking 6 (November 1974): 423—53.
58. McCulloch, J. Huston. "Beyond the Historical Gold Standard." In Alternative Monetary
41. Diamond, D. W., and Dybvig, P. H. (1983). Bank Runs, Deposit Insurance, and Liquidity. Journal of Political Economy 91 (June 1983): 401—19.
42. Kevin, Dowd. (1989). The State and the Monetary System. London: Phillip Man.
43. Ely, Bert. "The Big Bust: The 1930—33 Banking Collapse— Its Causes, Its Lessons." In The Financial Services Revolution, pp. 41—67. Edited by Catherine England and Thomas Huertas.
44. Boston: Kluwer Academic Publishers, 1988.
45. Fama, Eugene. "Financial Intermediation and Price Level Control." Journal of Monetary Economics 12 (July 1983): 7—28.
46. Friedman, Milton, and Schwartz, Anna J. A Monetary History of the United States. Princeton, N.J.: Princeton University Press, 1963.
47. Glasner, David. Free Banking and Monetary Reform. New York: Cambridge University Press, 1989.
48. Goodhart, Charles, The Evolution of Central Banks. Cambridge: MIT Press, 1988.
49. Greenfield, Robert L., and Yeager, Leland B. "Can Monetary Disequilibrium Be Eliminated." Cato Journal 9 (Fall 1989): 405—21.
50. Hall, Robert E. "Optimal Monetary Institutions and Policy." In Alternative Monetary Regimes. Edited by

- Weakening, and the Lender of Last Resort,” *Cato Journal* 9 (Fall 1989b): 429—59.
- Sumner, Scott. “Privatizing the Mint.” Working paper. Bentley College, Waltham, Mass., 1990.
- Timberlake, Richard H. “The Central Banking Role of Clearinghouse Associations.” *Journal of Money, Credit, and Banking* 16 (February 1984): 1—15.
- White, Lawrence H. *Free Banking in Britain*. New York: Cambridge University Press, 1984.
67. White, Lawrence H. *Competition and Currency: Essays on Free Banking and Money*. New York: New York University Press, 1989.
- Wicksell, Knut. *Lectures on Political Economy*. Vol. 2. London: George Rutledge and Sons, 1935.
- Regimes, pp. 73—81. Edited by Cohn Campbell and William B. Dougan. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1986.
59. Mints, Lloyd. *Monetary Policy for a Competitive Society*. New York: McGraw-Hill, 1950.
60. Rockoff, Hugh. “The Free Banking Era: A Reexamination.” *Journal of Money, Credit, and Banking* 73 (May 1974): 141—67.
61. Rolnick, Arthur J., and Weber, Warren E. (1983). *New Evidence on the Free Banking Era*. *American Economic Review* 73 (December): 1080—91.
62. Rolnick, Arthur J., and Weber, Warren E. (1986). *Inherent Instability of Banking: The Free Banking Experience*. *Cato Journal* 5 (Winter): 877—90.
63. Selgin, George A. *The Theory of Free Banking: Money Supply under Competitive Note Issue*. Totawa, N.J.: Rowman and Littlefield, 1988a.
64. Selgin, George A. “Accommodating Changes in the Relative Demand for Currency: Free Banking vs. Central Banking.” *Cato Journal* 7 (Winter 1988b): 621—41.
65. Selgin, George A. “Commercial Banks as Pure Intermediaries: Between Old and New Views.” *Southern Economic Journal* 56 (July 1989a): 80—86.
66. Selgin, George A. “Legal Restrictions, Financial
۶۸. فیروزه خلعت بری، (۱۳۷۸)، نظری بر جایگاه دولت در اقتصاد ملی، انتشار نیافته، مرکز پژوهشهای مجلس.
۶۹. فیروزه خلعت بری، (۱۳۷۹). ارزش پول ملی و عدالت اقتصادی.
۷۰. فیروزه خلعت بری، (۱۳۵۸). سیاستهای ارزش گذاری بر پول ملی، بانک مرکزی